



دریاسداشت یک عمر
ستایشگری اهل بیت
توسط محمود کریمی

شنبه ۸ مرداد ۱۴۰۱

ایران

این همه آوازه ما از شه بود

چرا که از حلقوم عبدالله بود...





در هیأت مداح و ستایشگر اهل بیت نقشی محوری را دارد. اوست که با هنرمندی و لحن خوشش در قالب نوحه‌ها و روضه‌ها عمیق‌ترین مفاهیم را به بهترین شکل به جان مخاطب القا می‌کند و عزاداری و دوستدار اهل بیت در میان اشک و روضه و عزاداری پیام را می‌پذیرد

پیام رسان فرهنگ اهل بیت از عمق تاریخ

کامیل نقی پور
سردبیر

هیأت از زمان اهل بیت تاکنون یک واحد اجتماعی به حساب می‌آمده که کار ویژه آن هدایت انسان‌ها به سمت و سوی اهداف متعالی بوده است. هیأت به دلیل فطری بودن آنچه که تبلیغ و ترویج می‌کرده در طول سالیان متمادی از صدر اسلام تاکنون سرزندگی خود را حفظ کرده و البته در این سیر تاریخی هیأت تطورات خاص خود را داشته و توانسته در هر عصر و زمانی با قالب جدید و ادبیات تازه خود را به محبان اهل بیت ارائه کند.

در هیأت مداح و ستایشگر اهل بیت نقش محوری را دارد. اوست که با هنرمندی و لحن خوشش در قالب نوحه‌ها و نواها و روضه‌ها عمیق‌ترین مفاهیم را به بهترین شکل به جان مخاطب القا می‌کند و عزادار و دوستدار اهل بیت در میان اشک و روضه و عزاداری پیام را می‌پذیرد. به بیان دیگر پیام عمیق مبتنی بر فرهنگ اهل بیت با ذوق و هنر ستایشگر اهل بیت به بهترین شیوه به مخاطب ارسال می‌شود پیامی که گویا از دل وقایع صدر اسلام گذشته در قلب و روح مخاطب نشسته است. بنابراین مداح و ستایشگر اهل بیت پیام رسان اهل بیت (ع) برای شیعیان در طول تاریخ بوده‌اند. آنان با روضه خوانی از «مستمع» خود «اشک» گرفته‌اند و جان شیعیان را به صیقل اشک به جان اهل بیت پیوند داده‌اند. با این نگاه، ستایشگران اهل بیت نقش بس بزرگی در اخلاقیات و معنویات جامعه دارند. اما نقش آنان به این عرصه محدود نمی‌شود. شاخصه اصلی فرهنگ اهل بیت (ع) ظلم‌ستیزی و مظلوم یاری است، دقیقاً آنچه هیأت را زنده نگه داشته همین شاخصه اصلی است؛ پیام زنده‌ای از عمق تاریخ که در هر عصری بر شخص و جریانی تطبیق دارد و این‌گونه مداح اهل بیت در قامت فریادزنده این پیام تاریخی یک چهره سیاسی و مصلح اجتماعی پیدا می‌کند. بنابراین هیأت با زنده کردن روح ظلم‌ستیزی و مظلوم یاری در معنابخشی به سیاست‌تورزی جامعه نقش دارد. اما در این بین انقلاب اسلامی نقطه عطفی در تاریخ هیأت به حساب می‌آید. هیأت‌های مذهبی نقش بسزایی در شکل‌گیری انقلاب و پس از آن تأثیر قابل توجهی در هدایت مردم ایران اسلامی به سمت اهداف اهل بیت (ع) داشته‌اند نقشی که همچنان پابرجا باقی مانده است، به بیان دیگر علی‌رغم گسترش امکانات رسانه‌ای، هیأت با پیشینه تقریباً ۱۴۰۰ ساله، رسانه اصلی برای فرهنگ‌سازی بر محور فرهنگ اهل بیت به حساب می‌آید. در میان ستایشگران و مداحان معاصر اما حاج محمود کریمی نام برجسته‌ای است. حاج محمود کریمی بی‌شک پدیده مداحی به شمار می‌رود، هر چه شما از یک مداح تراز در نظر بگیرید در او جمع است، صدای مناسب و لحن خوش، به کارگیری شعر با مضامین و اوزان مناسب، به روزرسانی اصولی سبک و مداحی و حتی بهره‌گیری مناسب از فضا سازی از او یک مداح نوآور ساخته است. این نوآوری البته به معنای بدعت نیست، منظور از نوآوری در راستای همان رسالت تاریخی ستایشگران در به‌روزرسانی قالب فرهنگ اهل بیت (ع) است. محمود کریمی مردم شناس خوبی است، سلیقه ایرانی و حتی سلیقه شیعی را خوب می‌شناسد، برای هر دقیقه هیأت و مداحی اش برنامه‌ریزی دارد، در انتخاب سبک و شعر و سواص بجایی دارد، اخلاص دارد و هیچ وقت از مسیر درست مداحی خارج نشده، تمام وجوه مداحی از روضه و سینه‌زنی و شعرخوانی و شور و... را به بهترین نحو اجرا می‌کند، جریان‌ساز در عرصه مداحی است و حتی کتیبه‌ها و نوع تزئین هیأت او برای دیگر هیأت‌ها الگو می‌شود، همه این موارد وقتی که کنار هم قرار می‌گیرد از خود او یک رسانه می‌سازد. محمود کریمی خود یک رسانه است.

دشمن شناسان دوست فراموش نباشیم!

دکتر امیرحسین ثابتی
فعال رسانه

۱ سال‌ها قبل وحید جلیلی در جلسه‌ای گفت اشکال اصلی نیروهای انقلابی این است که «دشمن شناسان دوست فراموش» هستند. بلافاصله توضیح داد که یعنی بسیاری از حزب‌اللهی‌ها دشمن را خوب می‌شناسند، واکنش‌هایشان به دشمن نیز سریع است اما فقط واکنش محور هستند و منتظرند تا دشمن کاری کند تا آنها نیز واکنشی نشان دهند اما اگر در جبهه خودی، کسی ده برابر دشمن هم کار ایجابی و درست انجام دهد اساساً توجهی به او نمی‌کنند، یا او را بزودی فراموش می‌کنند و شاید حتی آن دوست را به درستی نشناسند. بعدها عنوان این مقاله را در اینترنت جست‌وجو کردم و آن را به طور کامل خواندم، آسیب شناسی دقیقی بود بر حال و روز بسیاری از ما!

۲ هیأت‌های مذهبی نه فقط یکی از ستون‌های انقلاب اسلامی بلکه یکی از ستون‌های دین ما هستند. بی‌جهت نیست که در کلام ائمه مکرر بر «تعظیم شعائر» تأکید شده زیرا زنده نگه داشتن یاد و نام ائمه هدی علیه‌السلام صرفاً امری مستحب نیست، بلکه راهبردی است که شیعه را در طول فراز و فرودهای تاریخ و ۱۴ قرن گذشته تا به امروز حفظ کرده و حتی گسترش داده است. از این رو بر تک تک دوستداران اسلام و انقلاب واجب است که قدر دان این ظرفیت بزرگ و سرمایه اجتماعی کم‌نظیر باشند. در میان هزاران هیأت مذهبی در سراسر کشور، هیأت‌های فراوانی وجود دارند که در سال‌های گذشته بخوبی توانسته‌اند جمع «شور و شعور» باشند و علاوه بر زنده نگه داشتن یاد ائمه معصومین، نیروهای فراوانی را نیز در جهت تقویت اسلام و انقلاب تربیت کنند؛ هیأت‌هایی که در وقت جهاد مرد میدان هستند و در وقت نوکری برای سیدالشهدا علیه‌السلام پیش‌تاز هستند.



هیأت‌های مذهبی نه فقط یکی از ستون‌های انقلاب اسلامی بلکه دین ما هستند. بی‌جهت نیست که در کلام ائمه مکرر بر «تعظیم شعائر» تأکید شده زیرا زنده نگه داشتن یاد و نام ائمه هدی علیه‌السلام صرفاً امری مستحب نیست، بلکه راهبردی است که شیعه را در طول فراز و فرودهای تاریخ و ۱۴ قرن گذشته تا به امروز حفظ کرده و حتی گسترش داده است

۳ بدون شک یکی از این محافل مذهبی هیأت «رایه العباس» است که بیش از هر چیز به ذاکر آن یعنی حاج محمود کریمی شناخته می‌شود. کسی که در دو دهه گذشته همچون بسیاری دیگر از مداحان اهل بیت حق بزرگی برگردن جوانان زیادی از کشور داشته و با نوحه‌ها و ابتکارات خود در عرصه مداحی توانسته مسیر زندگی جوانان پرشماری را تغییر دهد. به عبارت دیگر، در روزگاری که علاوه بر بمباران ۲۴ ساعته شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های مجازی، عملکرد سوء برخی از مسئولین و تضادهای میان گفتار و کردار برخی از نخبگان سیاسی نیز باعث بدبینی بخشی از جوانان به اصل دین شده است، همین محافل مذهبی هستند که توانسته‌اند بسیاری از جوانان را به سمت اسلام و انقلاب جذب کنند و مسیر درست را از مسیر نادرست مشخص کنند. از این رو هر از چند گاهی شاهد حملات ناجوانمردانه دشمن به هیأت‌ها، سخنران‌های مذهبی و مداحان اهل بیت هستیم. حملاتی که البته سوژه اصلی آنها افراد نیستند، بلکه اصل دین است و هر آنچه که بتواند کمی جامعه را «دینی تر» کند و البته عجیب آنجاست که برخی از «دشمن شناسان دوست فراموش» نیز با این حملات همراهی می‌کنند.

۴ با این اوصاف، در این ویژه‌نامه تلاش شده تا بخش کوچکی از حرف‌های کمتر شنیده شده درباره حاج محمود کریمی و هیأت رایه العباس به عنوان یکی از ظرفیت‌های اجتماعی مهم و ارزشمند انقلاب اسلامی روایت شود و اتفاقاً اصرار بر این بود تا در آستانه ماه محرم که دشمن بر اساس سنت دیرینه خود به تخریب هیأت‌های مذهبی و ذاکران سیدالشهدا می‌پردازد، این اتفاق رقم بخورد. اگرچه خیلی تلاش شد تا با خود حاج محمود کریمی نیز گفت‌وگویی انجام شود اما از آنجایی که ایشان اساساً دوست ندارد سخنی از خویش بگوید، به ناچار سعی کردیم تا این خلأ بزرگ را در گفت‌وگو با اطرافیان و نگارش گزارش‌هایی در این باره پر کنیم، ان‌شاءالله که مفید واقع شود.

۵ محرم ۱۴۴۴ نیز بزودی خواهد گذشت اما یاد و نام سیدالشهدا علیه‌السلام پررنگ‌تر از همیشه در تاریخ باقی خواهد ماند. خوش به حال تمام کسانی که در این دستگاہ نوکری می‌کنند و در حد وسع و توانشان، خود را به این قافله جاودان گره می‌زنند. رحمت‌الله به عشاق ابا عبد الله...



صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)
دبیر ویژه‌نامه: یوسف حیدری
مدیر هنری: محمد طاهری
صفحه آرایی: حجت حکیمی (دبیر)، محمد عباسپور و سجاد حسینی
تصحیح و ویراستاری: محسن جانی‌پور (دبیر)، داریوش
کمالی‌پور آرد
عکس: ابوالفضل نسائی (دبیر)

www.iran-newspaper.ir
editorial@iran-newspaper.ir

نشانی: تهران خیابان فرمشهر - شماره ۲۰۸ - تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ - شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴
روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
مندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۱۳ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
لینوگرافی چاپ و صحافی: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

در اهمیت و عظمت هیأت رایة العباس

دکتر سجاد صفار هرندي

جامعه‌شناس و رئیس پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری

هیأت‌های عزاداری و به‌طور کلی نهاد عزاداری برای حضرت سیدالشهدا (ع) یکی از کارکردی‌ترین و مهم‌ترین دستگاه‌های فرهنگی جامعه ایران است که در طول تاریخ معاصر هم نقش مؤثر و جدی خودش را نشان داده و در آن تردیدی نیست. به‌طور خاص در مورد هیأت رایة العباس، می‌دانیم که این هیأت به مجموعه هیأت‌های رزمندگان اسلام تعلق دارد. هیأت‌های رزمندگان پاسخی مؤثر و ماندگار به ضرورتی تاریخی بودند. در نیمه دوم دهه هفتاد نوعی التهاب سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران پدید و تغییرات نسلی پیش آمده بود. به نظر می‌رسید که فاصله‌ای از دوره اولیه انقلاب و دوره دفاع مقدس و ارزش‌های مربوط به آنها ایجاد شده و نسل جدیدی از جوانان به صحنه آمده‌اند که هیچ تجربه‌ای و هیچ درک بی‌واسطه‌ای از آن فضاها و موقعیت‌ها نداشتند. اینجاست که نهاد هیأت در صورت تازه خود بازسازی می‌شود و نقشی مهم ایفا می‌کند. هیأت‌هایی مانند هیأت رایة العباس و چهره‌هایی مثل حاج محمود کریمی، حاج محمدرضا طاهری و حاج سعید حدادیان در اینکه نهاد هیأت در یک صورت جدید و در یک فرم تازه‌ای و به اقتضای علایق و انگیزه‌ها و تمایلات یک مقدار جوانانه‌تر، عاطفی‌تر و هیجانی‌تر که در جامعه آن روز وجود داشت به صحنه بیاید مؤثر بودند. به یاد دارم یکی از اولین نمودهای این نسل جدید ذاکرین این بود که مجالس مولودی خوانی و جشن برگزار می‌کردند. این مولودی‌ها در ایام اعیاد مذهبی یا ولادت ائمه اطهار در مهدیه تهران یا جاهای دیگر با کیفیت و پر شور برگزار می‌شد و در عین حال که فضایی معنوی داشت طیف‌های گسترده‌ای از همین بچه‌های جوان‌تر را جذب و بعد پای آنها را به هیأت و این دستگاه بازمی‌کرد. این حرکت‌ها در آن دوره یعنی نیمه دوم دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد نقش مهمی در اینکه در جامعه پسا انقلابی ما یک انتقال نسلی صورت گیرد و یک نسل جدیدی از نیروهای جوان انقلابی و دارای علایق جدی به هیأت و امام حسین (ع) تربیت شوند، ایفا کردند. اینکه چرا جامعه‌شناسان درباره هیأت‌ها و شور حسینی آنها با اتفاقات مهم فرهنگی مثل «سلام فرمانده» تحلیل ارائه نمی‌دهند و مثل مباحث اجتماعی دیگر به آن نمی‌پردازند، باید گفت واقعیت این است ما جامعه‌شناسان با وجود داعیه‌ها و ادعاهای علمی و بی‌طرفی و امثال این به سختی می‌توانیم از اینکه تمایلات ایدئولوژیک یا تمایلات سیاسی را در تحلیل و کار دخالت دهیم، اجتناب کنیم. این کار دشواری است و به نظر من خیلی از دوستانی که به این حوزه می‌پردازند غالباً تحلیل‌شان و نقاط تمرکز و توجه آنها همراه با نوعی حب و بغض و گرایش خاصی است. به همین دلیل هر داده و رخداد و هر واقعه‌ای که در چهارچوب آن تمایل و حب و بغض باشد یا بگنجد پررنگ و به یک مسأله عام تبدیل می‌کنند. اما اگر چیزی که نافی آن باشد نسبت به آن بی تفاوت می‌شوند. مثل اینکه هیأت‌ها دارند از سمت وسوی انقلابی خارج می‌شوند و ماهیت تشیع هویتی پیدا می‌کنند. یا مثلاً هیأت‌های انقلابی بازارشان بی رونق است و چون این را به‌عنوان چهارچوب طرح‌شان پذیرفتند آن وقت موفقیت و تحرک و نشاط و سرزندگی در هیأت‌هایی مثل هیأت رایة العباس حاج محمود کریمی را مجبورند نادیده بگیرند. چون با چهارچوب کلی آنها سازگار نیست، چون بعضی دوستان نگاهشان نگاه زوال‌گرا و انحطاط‌گرا است و تمایل دارند همه موضوعات حوزه دیانت را با نگاه زوال و انحطاط ببینند و بگویند همه چیز از دست رفته است یا دارد می‌رود. البته در مواردی مثل «سلام فرمانده» سکوت هم نکردند و ترجیح دادند با پاسخ‌های راحتی مثل اینکه این سرود پروپاگاندای حکومتی است و امثال این خیال خودشان را راحت و از بار تحلیل واقعیت‌ها خالی کنند. به هر حال نکته اصلی حب و بغض‌ها و تمایلات ایدئولوژیک و سیاسی است که در این موضوع خیلی دخیل است و در تحلیل‌ها و تبیین اصحاب علوم اجتماعی دخالت داده می‌شود. اما اینکه ادعا می‌شود نسل جوان در بحث اعتقادی و بایبندی به نظام کم‌رنگ شده‌اند یا اینکه برخی جامعه‌شناسان فرهنگی می‌گویند حضور جوانان در هیأت‌ها و پرشور بودن آنها گذراست و در عمق جامعه اثرگذار نیست، باید گفت واقعیت این است که ما هیچ مؤلفه فرهنگی در ایران امروز نداریم که هم به لحاظ عمق و هم به لحاظ فراگیری و گستره همپای مسأله عشق و محبت به اهل بیت پیامبر (ص) و ائمه اطهار خصوصاً حضرت سیدالشهدا و امام رضا (ع) و امام عصر (عج) باشد. هم از جهت استواری آن در عمیق‌ترین وجوه و هم فراگیری آن در طیف گسترده‌ای از اهالی کشور اعم از تنوع‌های قومی و مذهبی. به اعتقاد من عشق به اهل بیت فقط نقطه اجتماع شیعیان نیست، بلکه حتی از هموطنان اهل تسنن و حتی اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان در این مسأله کانونی با بقیه جامعه ایران سهیم و شریک هستند. این عشق به اهل بیت یکی از بنیادهای پیوند دهنده اجزای جامعه ایران به یکدیگر است و ولو اینکه بخش‌هایی از جامعه از حیث سلاطین و تمایلات با هم تفاوت‌هایی داشته باشند. ممکن است بعضی‌ها سنتی‌تر باشند و بعضی‌ها مدرن‌تر. ممکن است در اندیشه و فکر سیاسی و سبک زندگی‌شان تفاوت‌هایی داشته باشند. اما در این نقطه با هم اشتراک دارند و این چیزی است که از گذشته داشته‌ایم و هنوز هم ادامه دارد. به همین دلیل است که آن دست‌ها و فکرهای توطئه‌آمیز که قصد از هم پاشیدن جامعه ایران را دارند تلاش می‌کنند این پیوند را تضعیف کنند و روی چهره ماه خاک بپاشند یا با تمسخر و تحریف‌های تاریخی در این ارادت و محبت خللی وارد کنند. هیأت‌هایی مثل هیأت رایة العباس از آنجایی که روی این ویژگی بنیادی و فرهنگی جامعه ایران سوار شده‌اند و به درستی در روش‌ها و شیوه‌های عزاداری خودشان در عین اینکه سنت‌ها را حفظ کردند، اهل ابداع و نوآوری و خلاقیت بودند موفق هستند. البته اخلاصی که در افرادی مثل حاج محمود کریمی وجود دارد و به نظر می‌رسد در روح کلی هیأت هم جاری و ساری است، باعث شده هیأت رایة العباس به یک کانون مهم فرهنگ‌ساز و الهامبخش نه فقط در سطح تهران، بلکه در کل ایران و حتی جامعه شیعی فراتر از ایران تبدیل شود.

حاج محمود هیچ وقت دنبال دیده شدن نیست

عبدالرضا هلالی

مداح و ذاکر اهل بیت



به اعتقاد من عشق به اهل بیت فقط نقطه اجتماع شیعیان نیست، بلکه حتی از هموطنان اهل تسنن و حتی اقلیت‌های مذهبی غیرمسلمان در این مسأله کانونی با بقیه جامعه ایران سهیم و شریک هستند. این عشق به اهل بیت یکی از بنیادهای پیوند دهنده اجزای جامعه ایران به یکدیگر است

یکی از سنت‌های پسندیده، احترام به پیشکسوتان در عرصه‌های مختلف است. عرصه مداحی نیز در طول سالیان دراز قدردان پیشکسوتان خود بوده و ما هم امروز قدردان بزرگ‌تراها و سرمایه‌های خود هستیم. بزرگ‌ترهایی همچون حاج منصور ارضی، حاج حسین سازور، حاج سعید حدادیان، حاج محمدرضا طاهری و حاج قربان جزو سرمایه‌های تکرار نشدنی مداحی در کشورمان هستند. یکی از این سرمایه‌ها حاج محمود کریمی است، پیشکسوتی که بعید است مثل او تکرار شود. از نظر جامعیت، حاج محمود کریمی بی‌نظیر است. این جامعیت در چند عرصه قابل توجه است؛ اولین عرصه توانایی فنی ایشان در مداحی است. ما روضه‌خوان‌های توانمند زیادی داریم، اما صرفاً در عرصه روضه‌خوانی توانمند هستند. شورخوان‌های زیادی داریم، اما فقط در شورخوانی تبحر دارند. شاید با جرأت بتوان گفت مداحی که هم در روضه و هم در سینه‌زنی و هم در شورخوانی درجه یک باشد، حاج محمود کریمی است.

حاج محمود، استاد دستگاه‌های موسیقی است. دستگاه‌های قرائت قرآن را به خوبی می‌شناسد و یک قاری توانمند قرآن هم است. از طرف دیگر، یک شاعر آیینی درجه یک است. بسیاری از نوحه‌های مشهور، سروده خود ایشان است، حتی شعرها و نوحه‌هایی که شعرا زحمت می‌کشند و به ایشان می‌دهند، غالباً توسط خود حاج محمود ویرایش می‌شود. پس حاج محمود هم روضه‌خوان است، هم نوحه‌خوان، هم شورخوان، هم شاعر، هم آشنا با دستگاه‌های موسیقی. به همه اینها باید فهم دقیق از مخاطب را هم اضافه کرد. مداح باید مثل یک روانشناس، به تک تک سینه‌زنان پای منبر خود توجه کند. اینها از جمله ویژگی‌های جامع حاج محمود در عرصه مداحی است. در بعد فردی هم ویژگی‌های متعددی دارد که باعث جامعیت وی می‌شود. حاج محمود فکر بسیار روشنی دارد. با آغوش باز شنونده درد دل‌های جوان‌هاست. حامی نوآوری‌های جوان‌ترهاست و اگر جایی اشتباهی می‌بیند، سعی می‌کند به جای طرد، راهنمایی و اصلاح کند.

حاج محمود اهل مطالعه است و به خاطر سفرهای زیادی هم که می‌رود با فرهنگ‌های مختلف آشناست و همین باعث شده در مخاطب‌شناسی و فهم فرهنگ‌های مختلف و تکثر سلیقه‌های گوناگون بسیار خوب عمل کند. ویژگی مهم دیگر حاج محمود، اعتقاد خالصانه‌اش به امام حسین علیه‌السلام است. اعتقاد حاج محمود به امام حسین خیلی خاص است. این مسأله باعث شده حاج محمود یک خلوت بی‌نظیری با امام حسین داشته باشد. نماز صبحی نیست که حاج محمود بخواند و بعد از آن یک روضه مفصل نخواند. اگر کسی حاضر باشد برای همان چند نفر روضه می‌خواند، اگر هم کسی نباشد، خودش برای خودش روضه می‌خواند. وجود اشک زیاد در خلوت است که نتیجه‌اش اشک زیاد در آن جلسات عظیم می‌شود. حاج محمود یکی از مداحان خوش اشک است و واقعا خودش را برای امام حسین خرج می‌کند. خوب است مداح مرتب وارد جلسه عزای امام حسین بشود، اما نباید مرتب و اتوکشیده خارج بشود. باید حال حاج محمود را بعد از جلسات از نزدیک ببینید که متوجه شوید چطور خودش را در جلسه خرج کرده است. هیچ وقت هم به دنبال نمایش خود نبوده. اساساً شاید یکی از دلایل اوج گرفتن حاج محمود، این است که ذره‌ای به دنبال اثبات و بالا بردن خودش نیست. خودش را کنار گذاشته و همه توجهش معطوف به انجام وظایفش است و برای همین است که امام حسین علیه‌السلام هم به فکر و وجودش برکت می‌دهد. من احساس می‌کنم ایده‌های نابی که حاج محمود اجرا می‌کند، از نور اهل بیت است که به او الهام می‌شود. در ایام کرونا، به علت محبتش نسبت به امام حسین علیه‌السلام نمی‌توانست بی تفاوت باشد، برای همین ایده راه‌اندازی دسته‌های عزاداری در کوچه‌ها را راه انداخت. با فهم اجتماعی زیادی هم که دارد، مراسم روز تاسوعا را همراه با کودکان ساکن مجاور کوره‌های آجرپزی برگزار کرد. چنین عملکرد حیرت‌انگیزی نمی‌تواند توسط یک آدم عادی که مداح است انجام شود. حاج محمود کریمی یک نخبه به تمام معناست.



ایران
شنبه
۸ مرداد
۱۴۰۱



حاج محمود، استاد دستگاه‌های موسیقی است. دستگاه‌های قرائت قرآن را به خوبی می‌شناسد و یک قاری توانمند قرآن هم است. از طرف دیگر، یک شاعر آیینی درجه یک است. بسیاری از نوحه‌های مشهور، سروده خود ایشان است، حتی شعرها و نوحه‌هایی که شعرا زحمت می‌کشند و به ایشان می‌دهند، غالباً توسط خود حاج محمود ویرایش می‌شود.



دکتر محمدحسین ساعی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی:

هیأت مذهبی مؤثرترین نهاد وسازمان فرهنگی هستند

هیأت‌های مذهبی به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی در روزهایی که کشور آماج تهاجم فرهنگی قرار دارد نقش مهمی در مقابله با این پدیده شوم دارند. کارکرد اصلی هیأت‌ها امروز فراتر از اقامه عزا است. نقش بی‌بدیل هیأت‌ها در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی قابل انکار نیست. در دفاع از حرم اهل بیت و مقابله با ویروس کرونا و یاری به کادر درمان هیأت‌های مذهبی پیشقدم بودند. به اعتقاد برخی استادان و جامعه‌شناسان، هیأت‌های مذهبی به عنوان یکی از نهادهای فرهنگی می‌توانند نقش مهمی در همبستگی فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی داشته باشند. در گفت‌وگو با دکتر محمدحسین ساعی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس دانشگاه سوره، کارکردهای اصلی فرهنگی هیأت‌های مذهبی و نقش آنها در همبستگی و هدایت فرهنگی و جایگاه آنها به عنوان یک رسانه ابررسی کردیم

❖ به اعتقاد شما به عنوان یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی اساساً می‌توان به هیأت‌های مذهبی به عنوان یک پدیده فرهنگی یا یکی از نهادهای فرهنگی نگاه کرد؟

به اعتقاد من هیأت‌های مذهبی یکی از مؤثرترین و بومی‌ترین نهادها و سازمان‌های فرهنگی هستند. جایی که فرهنگ در آن بازتولید می‌شود و مناسک فرهنگی به معنای رفتارهای تکرار شونده که معنای ویژه‌ای را در انسان درونی می‌کنند، در آن متجلی می‌شود. برای مناسک می‌توان مثال‌هایی بیان کرد؛ مثلاً زبان مناسکی است که ما دائماً تکرار می‌کنیم که درونی شود یا مثل لباس پوشیدن که مرتب در یک مناسک فرهنگی، آن را تکرار می‌کنیم تا فرمی از لباس پوشیدن را درونی کنیم. دلیل مانایی هر فرهنگ، همین مناسک فرهنگی است. حال اگر فرهنگ ما دچار آسیب شده به این دلیل است که بخش‌ها، دستگاه‌ها و اقشاری در نظام فرهنگی ما وجود دارند که مناسکی را خارج از این اتمسفر فرهنگ ایران اسلامی وارد و آن را بازتولید می‌کنند. اما هیأت‌ها توانستند مناسک فرهنگ خودمان را در یک وضعیت قدرتمندی برای ما ایجاد کنند و از این جهت، حتی بدون جهت‌گیری ایدئولوژیک، برای هر فرهنگی با ارزش هستند و شاید تنها نهاد یا جزو معدود نهادی باشند که تقریباً فقط در مسیر مناسک فرهنگ عمومی خودمان عمل می‌کنند و بازخورد یا بازتابی برای نمایندگی مناسک خارج از فرهنگ بومی کشورمان ندارند.

شاید برخی به بعضی موارد پیش آمده در برخی هیأت‌های محدود اشاره کنند که اتفاقاً فراگیر نشده است. مثل برخی شعرها، آهنگ‌ها و ملودی‌ها و بگویند که اینها نوعی واگرایی از فرهنگ خودی است که البته ممکن است ۵ یا ۱۰ درصد در این اقیانوس عظیم، اتفاق بیفتد اما اصل جریان بزرگ کاملاً مربوط به فرهنگ بومی ما و تکرار و بازنمایی آن است که بالطبع برای ما قدرت نرم ایجاد کرده و بهترین مسیر برای زمینه‌سازی حل مشکلات و همگرایی در سطح بالای فرهنگی و همبستگی ایجاد می‌کند و بستر مناسبی است برای همه اتفاق‌های گرگ‌شایی که در حوزه‌های دیگر می‌افتد.

❖ به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب فرهنگی نگاه اعضای این شورا به هیأت چگونه است و آیا آن را به عنوان یک مقوله و ظرفیت فرهنگی قبول دارند یا فقط

مراکز و محافل رسمی را به عنوان یک عنصر فرهنگی قبول دارند؟

البته من به نمایندگی از جمع صحبت نمی‌کنم اما نظر شخصی خودم را اعلام کردم و تا جایی که می‌دانم نظر بقیه اعضای شورای انقلاب فرهنگی به هیأت‌های عزاداری هم همین است. بسیاری از اعضای شورا در هیأت‌ها و در بحث اجرا یا برنامه‌ریزی آنها مشارکت شخصی دارند و به اصطلاح خودشان هیأتی هستند. ولی اگر فرض کنیم در مصوبات شورا ورود کمتری در این حوزه داشتیم یکی از دلایل این است که معمولاً در کشور ما تا مسأله‌ای بحرانی نشود در دستور کار قرار نمی‌گیرد. لذا چون ما مسأله بحرانی در این زمینه نداشتیم و در هیأت‌ها نمی‌دیدیم به همین دلیل در بین موضوعات سیاستگذاری فرهنگی قرار نگرفته است. تلقی بر این بود اتفاق‌هایی که آنجا می‌افتد مناسب است و هدایتگری‌های درونی و تسهیل‌گری‌های درونی خودش این امکان را داراست که اگر مشکلات کوچکی هم وجود داشته باشد، خودش رفع کند.

شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی انتقادات جدی‌ای به برخی هیأت‌های زمان خودش مطرح کرده بود. به دوستان می‌گفتم این کتاب را بخوانید، این کتاب ۶۰ سال قبل نوشته شده است و در این نیم قرن تقریباً عموم مطالب و انتقادهایی که شهید مطهری وارد می‌دانستند طی یک روند معقول و درونی خود هیأت حل شده و ما دیگر این مشکلات را نمی‌بینیم. مثلاً در دوره‌ای رگه‌هایی از دوری از نگاه فقه‌ای یا منطق اجتهاد به عنوان هسته مرکزی تشیع، در برخی هیأت‌ها دیده شد؛ ولی در فرایندی کاملاً درونی حل شد چون خود سیستم هیأت‌ها بر اساس تقوا شکل می‌گیرد.

شاید گاهی اوقات انتقادهایی به بعضی اشعار و موسیقی یا حرکات در هیأت‌ها وارد باشد اما این سازوکار و جریان مواجی که در هیأت‌ها وجود دارد وقتی ببیند حرکاتی خارج از بنیانش است آن را بدون اینکه جنجال و حاشیه‌ای ایجاد شود اصلاح می‌کند. البته این حاشیه‌ها توسط کسانی که هیچ نسبتی با هیأت ندارند ایجاد می‌شود. به نظر من اشکال هیأت‌ها از خیلی بخش‌ها و نهادهای دیگر جامعه ما کمتر است. مدلی که در

هیأت‌ها چه به لحاظ اجرا و مشارکت دادن مردم و چه به لحاظ ایجاد انگیزه و کار فرهنگی است بسیار ارزشمند است. در وقایعی مثل تعرض به حرم اهل

بیت(ع) همین بچه‌های هیأت برای دفاع از حرم می‌روند. لذا وقتی این نقشه را نگاه می‌کنیم احساس می‌کنیم کم اشکال‌ترین سازمان فرهنگی کشورمان در حال حاضر باشد. نکته مهم دیگر این است که چنین نهادی و مدلی مشابه آن هم در کشورهای دیگر و حتی کشورهای اسلامی دیگر نیز وجود ندارد.

❖ به عنوان متخصص رسانه، هیأت‌ها چقدر می‌توانند نقش رسانه‌ای داشته باشند و آیا می‌توان رسانه‌ای جایگزین هیأت معرفی کرد؟

اگر رسانه را به معنای عام در نظر بگیریم می‌توان گفت هیأت، خودش یک رسانه تمام و کامل است. فضایی است که ارتباطات نسبتاً بلندمدتی در آن اتفاق می‌افتد و خبررسانی و تبادل نظر و گفت‌وگو در آن به بالاترین شکل انجام می‌شود. به طور مثال در زمان انتخابات بچه‌های هیأت با هم گفت‌وگو می‌کنند که به چه کسی رأی بدهیم یا جریان‌های مختلف سیاسی را نقد می‌کنند. فضای نسبتاً آزادی در این گفت‌وگوها وجود دارد و شاید چنین فضایی را جای دیگری نبینیم. نظام خبررسانی و تحلیلی تا مباحث آموزشی همه اینها را در هیأت می‌بینید. همه اینها به مثابه رسانه خاص و با مختصات منحصر به فرد خود در کشور عمل می‌کند. شاید در خیلی از مسائل که شاید در نگاه اول، ارتباطی هم به هیأت نداشته باشند مثل سلامت، وقتی وارد می‌شوند اتفاق‌های خوبی می‌افتد. هر اتفاقی که در دنیای خارج می‌افتد حتماً نظام رسانه‌ای پشت آن است و مجموعه‌ای از رویدادهای اجتماعی حتماً پشتوانه رسانه‌ای، چه برای خود افراد داخل هیأت و چه خارج از هیأت دارند و این خیلی مهم هستند.

❖ کارکرد هیأت را جدای از محررم در جامعه چطور می‌بینید و افراد شاخصی مثل حاج محمود کریمی یا افراد دیگر چقدر در هدایت فرهنگی نقش دارند و آیا تا امروز موفق بودند یا خیر؟

من هیأت را فقط یک سازمان مردم نهاد برای اتفاق محدود به لحاظ موضوعی، زمانی و مکانی نمی‌بینم بلکه به عنوان یک هسته تشکیل دهنده یک اجتماع می‌بینم. هیأت یک سلول برای تشکیل اجتماع و هسته‌ای برای اقدامات اجتماعی در همه حوزه‌ها است. هیچ جنبه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی نبوده که هیأت در آن نقش نداشته باشد. مسائل نظامی، سیاسی، اقتصادی، خیریه و کمک به نیازمندان از کارکردهای اصلی هیأت است. از القای فضای دینی که اصل هدف تشکیل هیأت است تا همیاری کادر درمان و مقابله با ویروس کرونا و تشکیل خانواده و ترویج از دواج نقش دارند. هیچ بعدی از ابعاد اجتماعی را در ۹۰ سال اخیر نمی‌بینیم که هیأت‌ها در آن ورود نداشته باشند. ما باید ممنون کسانی باشیم که این پرچم را بلند کردند - بویژه جا دارد از مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی یاد کنیم که بنیانگذار موج جدید هیأت در کشورمان بودند - که هر کدام قلعه افتخار برای فعالیت هیأت‌ها هستند. به همت این عزیزان نسل‌های بعدی تربیت شدند و با قدرت آمدند. پیرغلامان، مداحان و هیأت دارها توانستند ارتباط نسلی قدرتمندی را در سخت‌ترین دوران تهاجم فرهنگی علیه این کشور، ایجاد کنند.





ناگفته‌های محسن سوهانی مسئول هیأت رایة العباس از شور جوانان برای حضور در هیأت‌های عزاداری

رایة العباس چگونه به بزرگترین هیأت ایران تبدیل شد؟

انجام شد. زمانی که شروع کردیم اساسنامه‌ای تنظیم شد با این مضمون که این هیأت چند مأموریت مهم دارد. اول برپایی مجالس امام حسین (ع) و پیوند نسل جوان با نسل گذشته مخصوصاً نسل ایثارگر و رزمنده. دوم پرداختن به ایثارگران مخصوصاً جانبازان قطع نخاعی و بالای ۵۰ درصد که در روند روزگار به فراموشی سپرده شده‌اند و این برخلاف فرمایشات امام (ره) است که فرمودند نگذارید پیشکسوتان جهاد و شهادت در پیچ و خم روزگار به فراموشی سپرده بشوند. بعدها مأموریت‌های دیگر هم اضافه شد مثل تجهیز موبک‌های اربعین که به نام حضرت مهدی (عج) شکل گرفت. این موبک بزرگ‌ترین موبک پایانه مرزی مهران است و برکات زیادی در امداد رسانی و کمک به سبلزندگان پلدختر داشت و هیأت را در کارهای جهادی و امداد رسانی به روز کرد.

چطور شد حاج محمود کریمی ذاکر هیأت رایة العباس شد؟

تا سال ۷۹ از ذاکرین و واعظان مختلف در هیأت استفاده می‌کردیم. اکثر ذاکرین که در تهران یا شهرستان‌ها مداحی می‌کنند اینجا جلسه داشتند و ما مداح و واعظ ثابت نداشتیم. سال ۱۳۷۹ تصمیم گرفتیم جست‌وجو کنیم و ذاکر مناسب از هر جهت برای هیأت پیدا کنیم که به اصطلاح با گروه خونی این بچه‌ها همخوانی داشته باشد. آن موقع تشکیلات هیأت‌های رزمندگان وجود نداشت و عنوان هیأت هم رزمندگان شمیرانات بود. در جلسات نام مقدس ماه بنی‌هاشم به میان آمد و تمثیلی شد که ما پرچم حضرت عباس (ع) را که پرچم صراط مستقیم و ایثار و شهادت و مردانگی و مروت است بلند کنیم و نام هیأت به رایة العباس (رزمندگان شمیرانات) مزین شد. یکی از دوستان که کاروان دار حج بود و با حاج محمود کریمی ارتباط نزدیکی داشت پیشنهاد کرد از وجود حاج محمود در هیأت استفاده کنیم. حاج محمود در هیأت یا زهرا تهران همراه با حاج محمود طاهری مداحی می‌کردند. در سفر حج اولین بار حاج محمود کریمی را دیدیم. همراه با سعید حدادیان نوحه می‌خواندند. صدای حاج محمود واقعاً دلنشین بود. به حاج آقا شیرازی که رئیس کاروان بود گفتم هماهنگ کنید بتوانیم از توان حاج محمود استفاده کنیم. بعد از حج ارتباط برقرار شد و ما چند جلسه صحبت، دیدار و گفت‌وگو داشتیم و از سال ۱۳۷۹ حاج محمود کریمی به هیأت رایة العباس آمدند. در ادامه هم شاهد حضور پر تلاش حاج محمود بودیم و معتقدم انتخاب ایشان لطف حضرت عباس (ع) بود. مهم‌ترین ویژگی ایشان این است که از خانواده معزز شهدا هستند. فرزند شهید و برادر شهید هستند و این خودش بسیار اثرگذار است. ویژگی دیگر حاج محمود ورزشکار بودن ایشان است. به جسم‌شان هم اهمیت می‌دهند و سه روز در هفته کوهنوردی می‌کنند. در بحث شعرسرایی و مدیحه‌سرایی و صوت خوب منحصر به فرد هستند. خدا رحمت کند پدرش را که صوت زیبا را از ایشان به ارث بردند. پدر ایشان از ذاکرین مهدیه تهران بودند. در بیت حضرت امام (ره) هم جزو کادر حفاظتی بودند که از امام (ره) محافظت می‌کردند. پدر ایشان شخصیت ویژه‌ای داشتند و مادرشان هم یک زن با فضیلت و بی‌نظیری هستند. همیشه می‌گویم مادر حاج محمود شجاعت چند مرد را دارد. خودش صاحب روضه و مجلس بوده و مردم‌دار هستند. در دامان چنین پدر و مادری حاج محمود و برادرانش رشد کردند و یکی از آنها به شهادت رسید. انتخاب حاج محمود خیلی اثرگذار بود و در بحث جلسات هیأت و بار معنوی امامزاده علی اکبر (ع) به واسطه وجود شهدا این را بی‌بدیل کرد. اعتقاد دارم اگر در

آمد فرشته‌های آسمانی و فرشته‌های زمینی. این تصمیم به واسطه وجود و حضور این شهدا گرفته شد. بارها از هیأت‌های مختلف خواستیم به بهشت زهرا بروند و هیأت را کنار مزار شهدا برگزار کنند. این کار قطعاً تأثیر بیشتری از کوچه و خیابان دارد. نه اینکه در کوچه و خیابان تأثیر نداشته باشد اما در کنار شهدا خیلی بیشتر اثر دارد و این پیوندی بین جوانان و شهدا است. شب‌های ماه مبارک رمضان و بخصوص شب‌های احیا اگر به بهشت زهرا بروید باور نمی‌کنید اینجا قبرستان باشد و شب‌ها کسی نیاید. خیلی از مردم برای زیارت قبور شهدا به آنجا می‌روند و کنار مزار شهدا دعا می‌کنند. جوانی که شاید در خیابان گشت ارشاد با او برخورد کند اما کنار مزار شهید گمنام نشسته و در حال خودش است. عطش جوانان مخصوصاً جوانان امروز بی‌حد است و چیزی آنها را سیراب نمی‌کند جز عشق به امام حسین (ع). جوانان می‌دانند تنها باب نجات، کشتی امام حسین (ع) است. حسین مصباح الهدی و سفینه النجاة. این یک حقیقت است و لذا به همین دلیل خیلی از جوانان جذب هیأت و بخصوص هیأت رایة العباس می‌شوند. امروز جوانان به سمت امام حسین (ع) قدم برمی‌دارند تا معرفت و زندگی بیاموزند. این از تأثیرات و توجهات هیأت است. در واقع هیأت بزرگ‌ترین تشکیلات منظم با قدمت ۱۴۰۰ سال است. در کشورهای دیگر اگر بررسی کنید هیچ تشکیلاتی با این قدمت پیدا نمی‌کنید. عصر عاشورای ۱۴۰۰ سال قبل اولین جلسه روضه را خانم زینب (س) همراه با امام سجاد (ع) به راه انداختند و تا امروز ادامه دارد. این تشکیلات عظیم با لطف خداوند و ائمه اطهار ادامه پیدا کرده است. در این وضعیت اقتصادی جامعه با وجود گرانی کسی که سال‌هاست برنج غذای ظهر عاشورا را می‌دهد از همه چیز می‌گذرد تا نذرش را ادا کند. راه نجات جامعه همین است. اگر می‌خواهیم جوانان نجات پیدا کنند باید آنها را جذب هیأت‌ها کنیم. آن زمان وسعت هیأت مثل امروز نبود و هیأت هم شناخته شده نبود. بیشتر بچه‌های محل حضور داشتند ولی آن هدفی که داشتیم

یک سال برای رسیدن این روزها لحظه شماری می‌کنند. روزهایی که عاشقان امام حسین (ع) رخت سیاه به تن می‌کنند تا برای سرور و سالار شهیدان اقامه عزاکند. عزاداری ایام محرم و برپایی تکیه و هیأت یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های مردم ایران است. سنتی که در هر شرایط و با وجود سختگیری‌های دوران پهلوی هیچ گاه فراموش نشد. محرم حلقه اتصال مردان و زنانی است که شاید در خیلی از مسائل باهم اختلاف داشته باشند اما عشق به امام حسین (ع) آنها را گرد هم می‌آورد. هیأت‌های عزاداری در ایام محرم پذیرای خیل عاشقانی هستند که برای شنیدن روضه و عزاداری به حسینیه‌ها و تکیه‌ها می‌آیند. هیأت رایة العباس یکی از هیأت‌های قدیمی تهران است. هر سال ده‌ها هزار نفر از مردم تهران و حتی شهرهای دیگر برای اقامه عزای امامزاده علی اکبر (ع) در منطقه چیدر می‌آیند؛ جایی که به گفته حاج محسن سوهانی مسئول هیأت ۵۸۷ شهید پای ثابت هیأت و روضه و عزاداری هستند. حاج محمود کریمی ذاکر هیأت هر سال با اشعار و نوحه‌خوانی شور و حال عجیبی به خیل عزاداران می‌دهد. عصر تاسوعا و عاشورا جمعیت بسیاری در امامزاده و خیابان‌های اطراف عزاداری می‌کنند. نظم هیأت در کنار حضور جوانان از هر طیف و پوشش از ویژگی‌های خاص این هیأت است. جایی که به گفته حاج محسن همین شهدا و صاحب جلسه روضه دست این جوانان را می‌گیرد و آنها را در ریل اصلی زندگی قرار می‌دهد. با فرارسیدن محرم ۱۴۰۱ پای صحبت‌های حاج محسن سوهانی مسئول هیأت رایة العباس و یکی از پیشکسوت‌های هیأت رزمندگان نشستیم. او از دلایل تشکیل هیأت در امامزاده علی اکبر (ع) که بزرگ‌ترین گلزار شهدا بعد از بهشت زهرا است و ویژگی‌های خاص هیأت و حاج محمود کریمی ذاکر هیأت و خاطراتی از جوانانی که اعتقاد به هیأت نداشتند اما به لطف شهدا سال‌هاست هیأتی شده‌اند گفت. به اعتقاد او حضور پر شور جوانان در هیأت‌های عزاداری از عمق وجود است و نشان از این دارد که عشق به دین و امام حسین (ع) با گوشت و پوست و استخوان این جوانان عجین شده است.

برای خیلی از جوانان این سؤال مطرح می‌شود که چرا این هیأت در امامزاده علی اکبر (ع) و در جوار ۵۸۷ شهید بنا شد؟

بعد از پایان جنگ تحمیلی رزمندگانی که از جبهه برگشتند هیچ ارتباط و تماسی با هم نداشتند. دوستان رزمنده و پیشکسوت تصمیم گرفتند جلسه‌ای برپا کنند و بهترین تصمیم این شد که تحت قالب یک هیأت باشد. سال ۱۳۷۶ اولین جلسه هیأت به صورت غیررسمی برگزار شد و جلسه رسمی هیأت هم ۲۲ بهمن همان سال در همین مکان افتتاح و آغاز به کار کرد. البته فضا به این شکل نبود، ساختمان نیمه‌کاره و فقط اسکلت بنا شده بود. گچ‌کاری دیوارها باقی مانده بود. اما اینکه چرا امامزاده علی اکبر (ع) برای برپایی هیأت انتخاب شد به واسطه اینکه اولاً امامزاده واجب‌التعظیم است و بقعه شریف امامزاده علی اکبر (ع) اینجا بود. بعد هم ۵۸۷ امامزاده دیگر که به فرموده مقام معظم رهبری شهدا امامزادگان انقلاب هستند شرایطی را فراهم کرد که این مکان برای برپایی هیأت انتخاب شد. گلزار شهدای امامزاده علی اکبر (ع) در تهران بعد از بهشت زهرا بزرگ‌ترین گلزار شهدا است و محلی است برای رفت و



انتخاب حاج محمود خیلی اثرگذار بود و در بحث جلسات هیأت و بار معنوی امامزاده علی اکبر (ع) به واسطه وجود شهدا این را بی‌بدیل کرد. اعتقاد دارم اگر در این جلسه کسی هم نباشد ۵۸۷ نفر پای کار قوی هستند. شهدا خودشان همه چیز را فراهم می‌کنند و ذکر می‌گویند و بشدت هم اثر می‌گذارند



این جلسه کسی هم نباشد ۵۸۷ شهید پای کار قوی هستند. شهدا خودشان همه چیز را فراهم می کنند و ذکر می گویند و بشدت هم اثر می گذارند. شاید اگر ما اینجا نمی آمدیم خیلی از این بچه ها ماهی یک بار هم به هیأت سر نمی زدند اما به لطف شهدا همیشه حضور دارند. از شهدا می خواهیم هوای ما را داشته باشند.

حضور انبوه نسل جوان در هیأت رایة العباس نشان از این دارد که این هیأت جاذبه فراوانی برای جوانان دارد. به نظر شما این جاذبه ها چه چیزهایی هستند؟

شاید برای اولین بار است که می گویم یکی از مهم ترین ویژگی های هیأت رایة العباس که باعث جذب نسل جوان شده اخلاص بچه های هیأت است. همه مجالس امام حسین (ع) از لحاظ کمیت یکسان هستند ولی اگر ریشه مهمی به نام اخلاص نباشد کار بخوبی جلو نمی رود. چیزی که هیأت رایة العباس می تواند به عنوان شاخص موفق در پیشرفت کار نشان بدهد کار خالصانه است. از پدران، همسران و مادران شهدا و فرزندان شهید و رزمندگان بچه های هیأت بدون هیچ توقعی وقت و توان و زندگی شان را پای هیأت می گذارند و هیچ توقعی هم ندارند. معامله ای

هیأتی بود که سایت فطرس را راه اندازی کرد. به خاطر دارم یکی از ذاکران معروف در جلسه ای که ما گفت این سایت چیست درست کرده اید و به نظر من کار درستی نیست. گفتم مردم وقتی از این فضا استفاده می کنند، چرا ما استفاده نکنیم. این فضا برای امام حسین (ع) است ما در این فضا جلسات را منتشر می کنیم و مردم هم استفاده می کنند. این کار را سال ۷۹ شروع کردیم آن زمان امکانات سرورها و اینترنت مثل امروز نبود. میزان بازدیدکننده های سایت گاهی اوقات از مرز ۲ میلیون نفر هم عبور می کرد و این باعث می شد سرورها هنگ کنند. حتی کارشناسان امریکایی هم کنجکاو شده بودند و می پرسیدند این سایت چرا این تعداد بازدیدکننده دارد. همه این ها لطف امام حسین (ع) است که جلسه ای با ۱۵ هزار نفر جمعیت برگزار می شود ولی به صورت آنلاین مردم ۲۷ کشور از این جلسه استفاده می کنند. بازدیدکنندگان داخلی هم میانگین ۲ میلیون نفر هستند. نتیجه کار این می شود که به لطف امام حسین (ع) این مجالس در وسعت زیاد برگزار می شود. البته به لحاظ اینکه در محله مسکونی واقع شده ایم محدودیت هایی هم داریم. سال گذشته به دلیل شرایط



هیأت یعنی نظم، ریتم سینه زنی همان نظم است و اگر نظم نداشته باشد کار جلو نمی رود. از نوع نشستن مستمع و قرار گرفتن منبر و تنظیم نور همه روی یک نظم است. اینکه چه زمانی در باز شود و عزاداران کجا بنشینند و از همه زمان ها بهترین استفاده را ببرند جز با نظم نمی شود. به لطف امام حسین (ع) همه چیز روی نظم جلو می رود و اسم هیأت یعنی نظم و باید همه اعضای هیأت مثل اجرای یک ساعت هماهنگ کار کنند

است که خودشان با ارباب انجام می دهند. یکی دیگر از رموز موفقیت هیأت رایة العباس ذاکر با اخلاق و با اخلاص است. وقتی هیأت می آید خبری از پول نیست و باید از جان و زندگی اش هم مایه بگذارد. امام حسین (ع) هم راضی است و مردم را به سوی این هیأت گسیل می کند. این طور می شود که جوانی که خانه اش ۲۰ کیلومتر از هیأت فاصله دارد پول توجیبی را که آخر شب باید برای کرایه بدهد در صندوق هیأت می اندازد و پیاده به خانه برمی گردد. بارها در مسیر برگشت از هیأت نوجوانان و جوانانی را که پیاده به خانه برمی گشتند سوار کردم و پرسیدم چرا پیاده می روید، می گویند پول هایمان را در صندوق هیأت ریختیم و نذر کردیم تا خانه پیاده برویم. همه این ها لطفی است که امام حسین (ع) به آنها می دهد. همه چیز وقتی کنار هم قرار می گیرند باعث جذب جوانان می شود. حضور شهدا، امامزاده علی اکبر (ع) ذاکر و مستمع با اخلاص و پرشور؛ همه اینها باعث جذب جوانان می شود. یکی از کارهای خوبی که در این هیأت اتفاق افتاد و شاید بتوان گفت اولین هیأتی بودیم که کار رسانه ای و تبلیغی در سیستم اینترنت یا فضای مجازی به راه انداختیم. هیأت رایة العباس اولین

شد. چطور تصمیم گرفتید هیأت را به کوچها و محله ها ببرید؟

می گویند اگر می خواهید معروف شوید گمنام باشید، وقتی کار خالصانه برای خدا انجام دهید معروف می شوید. می خواهید قوی و مؤثر باشید خودتان را در دستگاه امام حسین (ع) کوچک کنید. این خصلت را هر کسی داشته باشد مثل اتمی که شکافته می شود قدرتش بیشتر می شود. در بحث هیأت و کسانی که علمدار هیأت هستند این موضوع اهمیت بسیاری دارد. رمز موفقیت حاج محمود کریمی این است که خودش را در دستگاه امام حسین (ع) خاضع می کند، هر زمان که می خواهد بخواند می گوید خدایا من فقیرم و دستم خالی است، امام حسین خودت آبروی مرا حفظ کن. حضرت امام (ره) می فرمودند وای به حال آن روزی که قبل از اینکه کسی خودش را بسازد جمعی به او رو بیاورند. مثال آن هم همین هنرپیشه هایی که در فضای مجازی به سلبریتی معروف می شوند. چهار تا فیلم بازی می کنند و مطرح می شوند و به خاطر مطرح شدن حجاب و دین و خانواده و حتی کشورشان را کنار می گذارند. اما در دستگاه امام حسین (ع) هر چقدر معروف شوی خاضع تر می شوی. این توفیقی است که به یک ذاکر داده می شود.

همین خاص بودن باعث می شود حاج محمود در دوران کرونا با یک وانت و بلندگو و یک باک بنزین محله به محله برود و برای مردم روضه خوانی کند. سیستم صوتی همیشه عصای دست مداح است ولی او با یک وانت و یک سیستم صوتی معمولی به محله ها می رود. خیلی ها خبر نداشتند امشب به کدام محل می رود و می خواند چون دنبال تبلیغ نبود. این کار ماندگاری بود که حاج محمود انجام داد. در اوج گرما به کوره های آجرپزی رفت و برای مردم آنجا روضه خوانی کرد و همه اینها به دلیل اخلاص اوست. نکته دیگری که درباره ویژگی های حاج محمود می توان گفت اینکه تبحر خاصی در سبک و کلاس و آهنگ خواندن دارد. به نوعی می توان گفت استاد به تمام معنا است. استاد دیده است ولی آن چیزی که خودش تجربه کرده فراتر از گرفتن استاد است. بعضی از فوتوفن ها مخصوص خودش است. همه اینها لطفی است که خداوند به او داده و ایشان هم به لطف امام حسین (ع) خوب و بجا استفاده می کنند. اما شاید چیزی که تا الان نگفته ام و شانس خوب حاج محمود باشد این است که رفقای خوب هیأتی پا به کار دارد. آنها خالصانه و در همه شرایط حضور دارند و به خاطر عشق به حاج محمود و امام حسین (ع) همیشه پا به کار هستند.

به نظر شما سهم صدا و سیما در جذب جوانان به هیأت های عزاداری مثل هیأت رایة العباس چقدر است؟

باید از صدا و سیما هم ممنون باشیم و هم شاک. به عنوان اولین هیأت تلاش کردیم رسانه را وارد هیأت کنیم. سال ۷۹ با همین دوربین های کوچک فیلم را روی DVD تبدیل می کردیم. این فیلم را به شبکه دو می بردم تا پخش کنند. اگر جست و جو کنید اولین جلساتی که از صدا و سیما پخش شد هیأت رایة العباس بود. بارها گفتم باید از ظرفیت رسانه برای ترویج فرهنگ عاشورایی استفاده کنیم. در این سال ها هیچ گاه از طرف سازمان صدا و سیما ورود نکردند و ما برای صدا و سیما برنامه تولید کردیم. صدا و سیما برای تولید آگهی مواد غذایی هزینه های زیادی می کند یا برای برنامه ای پول هنگفتی می دهند تا تولید کنند و آنتن اصلی چند شبکه در اختیارش قرار می گیرد ولی مخاطب ندارد. اما در محرم ۳۰۰ ساعت از جلسات پخش می شود و آمار مخاطب بالا می رود. استفاده مطلوب رسانه برای همه هیأت ها خواسته ما است چون دسترسی مردم به مجالس کم و امکانات نیز محدود است. دسترسی مردم به تلویزیون خوب است و می توان از این پتانسیل استفاده کرد تا مردم بتوانند مجالس روضه را ببینند. از سازمان صدا و سیما و رسانه توقع داریم حمایت کنند. تایم های مناسب شبکه های صدا و سیما به چیزهایی اختصاص پیدا کند که بار معنوی بسیاری برای مردم داشته باشد. متأسفانه برنامه هایی که تولید می شود هیچ بار ارزشی و معنوی ندارد ولی صدا و سیما برای آنها هزینه می کند.

کرونا هیأت را در یادگان ۰۶ برگزار کردیم تا مردم در فضای باز به راحتی عزاداری کنند اما مردم از ما می خواستند به امامزاده علی اکبر (ع) برگردیم. نکته دیگری که به عنوان یکی از رموز موفقیت هیأت رایة العباس می توان مطرح کرد زمان جلسات هیأت است. از روز اول که هیأت راه اندازی شد بنا را بر این گذاشتیم تا هیأت های محلی ضعیف نشوند. این هیأت ها تأثیر خودشان را دارند. بعد از ظهرها و دو ساعت قبل از اذان هیأت را برپا کردیم، یعنی زمانی که معمولاً کمتر هیأتی برگزار می شود. کار به جایی رسید که مخاطبان هیأت از محدوده شهرستان شمیرانات و تهران فراتر رفت و به شهرستان ها و استان های دیگر رسید. در ماه مبارک رمضان که جلسات هیأت برگزار می شود به جز امسال که در مشهد مقدس برگزار شد از شهرستان هایی مثل مشهد، کاشان، تبریز، شیراز و خوزستان جوانان با عشق خودشان را به اینجا برسانند.

هیأت رایة العباس در ایام شیوع کرونا به خیابان و محله ها رفت و حاج محمود با بلندگو در خیابان و کوره های آجرپزی برای مردم روضه خوانی کرد. این کار ماندگار از سوی مردم و مداحان اهل بیت (ع) تقدیر





برخی اعتقاد دارند کار هیأتی یعنی بی‌نظمی، با توجه به حضور چند ده هزار نفری در هیأت رایة العباس چطور عزاداری‌ها و مراسم‌های هیأت با نظم خاصی برگزار می‌شود؟

هیأت یعنی نظم، ریتم سینه‌زنی همان نظم است و اگر نظم نداشته باشد کار جلو نمی‌رود. از نوع نشستن مستمع و قرار گرفتن منبر و تنظیم نور همه روی یک نظم است. اینکه چه زمانی در باز شود و عزاداران کجا بنشینند و از همه زمان‌ها بهترین استفاده را ببرند جز با نظم نمی‌شود. به لطف امام حسین (ع) همه چیز روی نظم جلو می‌رود و اسم هیأت یعنی نظم و باید همه اعضای هیأت مثل اجرای یک ساعت هماهنگ کار کنند. جلسات هیأت امام حسین (ع) همیشه با تلاش ۷۰۰ نفر برگزار می‌شود. همه در تلاش و تکاپو هستند، از انتظامات گرفته تا سیستم صوت و تصویر و آتش‌خانه، راهور و بسیج عاشقانه تلاش می‌کنند. افسر راهنمایی و رانندگی در زمان استراحت و مرخصی‌اش اینجا می‌ایستد و به عشق امام حسین (ع) کار می‌کند و می‌گوید اضافه کاری‌ام را از امام حسین (ع) می‌گیرم. تیم پزشکی و اورژانس و آتش‌نشانی هم عاشقانه پای کار هستند. در جبهه می‌گفتند ۱۳ نفر باید تلاش کنند تا در خط مقدم تک‌تیرانداز بتواند یک گلوله را شلیک کند. اینجا هم همین شکل است و همه تلاش می‌کنیم تا کمک کنیم هیأت به بهترین شکل برگزار شود.

یکی از مواردی که اینجا اتفاق افتاد این بود که احساس کردیم هیأت رایة العباس الگویی برای هیأت‌های دیگر شده است، از سبک مجلس داری و حتی نوع دکور زدن؛ احساس کردیم این مقوله طوری پیش می‌رود که هیأت‌های دیگر الگوبرداری می‌کنند. به همین دلیل با حاج محمود تصمیم گرفتیم یک دکور خیلی ساده بزیم. اگر دقت کنید در ۱۰ سال گذشته همین دکور یعنی پرچم گنبد امام حسین (ع) اینجا قرار دارد. این موضوع در هیأت‌های دیگر تأثیر گذاشت تا همه چیز به سادگی برگزار شود. تلاش کردیم الگوی درستی برای بقیه هیأت‌ها باشیم.

گفته می‌شود نسل جوان دین‌گریز شده است، با توجه به اینکه از نزدیک با جوانان سروکار دارید رابطه جوانان و دین چگونه است؟ حضور در هیأت‌ها چقدر با هیجان جوانی ارتباط دارد و آیا این هیجان زودگذر است یا در لایه‌های مختلف مردم نفوذ کرده است؟

برای اینکه بین جوانان و شهدا ارتباط معنوی برقرار کنیم برای هر شهید پلاک زدیم. جمعاً نزدیک به سه هزار پلاک، مثل پلاک‌های جبهه، مثلاً به نام شهید حسین نوروزی ۱۰ پلاک زدیم. همه آنها را در ظرفی قرار دادیم و هرکسی یک پلاک برداشت و شد رفیق شهید. قرار شد برود وصیتنامه شهید را بخواند، سر مزارش برود و قرآن بخواند. داستان‌های عجیبی اتفاق افتاد و معجزاتی از شهدا برای این بچه‌ها اتفاق افتاد که بی‌سابقه است. مثلاً دختر خانمی که می‌گفت حجاب را قبول ندارد سر مزار یکی از شهدا رفته بود و به شهید گفته بود نمی‌دانم این حرف‌هایی که در ارتباط با

شهدا گفته می‌شود چقدر درست است اما می‌خواهم با شما رفیق شوم. دو شب بعد شهید به خواب این خانم آمد و او را راهنمایی کرد. الان این خانم که قبلاً اعتقادی به حجاب نداشت با حجاب کامل در مراسم‌های هیأت حاضر می‌شود. یکی از شب‌ها هم پسر جوانی از اهالی کاشان تصویر شهیدی را در ردیف دوم به من نشان داد و گفت این شهید زندگی مرا که آدم ورشکسته‌ای بودم، نجات داد. ما همیشه می‌گوییم اینجا فقط امامزاده علی اکبر (ع) نیست، اینجا ۵۸۷ امامزاده داریم. خداوند فرموده گمان نکنید کسانی که شهید شده‌اند، مرده‌اند آنها زنده‌اند. اعتقاد قلبی ما این است که شهدا زنده‌اند و روزی می‌خورند. خداوند نگفته روزی دارند گفته روزی می‌خورند یعنی حیات دارند، یکی از این روزی‌ها زیارت امام حسین (ع) است. این شهدا قطعاً اثرگذار هستند و زیارت آنها هم اثر دارد. واقعا شهدا پای کار هستند و دلیل عینی‌اش عاشورای ۵ سال قبل است. صبح روز عاشورا دختر ۱۷ ساله‌ای گفت با شما کار دارم. مثل ابر بهار گریه می‌کرد. می‌گفت دختر شهید است ولی پدرش را هرگز ندیده است. زمانی که به دنیا آمد پدرش شهید شد. اعتقادی هم به چیزی نداشت ولی همیشه تا دم در هیأت می‌آمد و سر مزار پدرش می‌رفت. شب تاسوعا به دلیل ازدحام جمعیت اجازه ندادند سر مزار پدرش برود. گفته بود دختر شهید است ولی بچه‌های هیأت گفته بودند از همان دور دعا کن. ناراحت شده بود و می‌گفت از همان فاصله به پدرم گفتم چرا اجازه نمی‌دهند سر مزارت بیایم. شب عاشورا پدر را در خواب دیدم. اینجا مجلس روضه بود و همه این شهدا هم به صف ایستاده بودند. پدرم هم بود گفتم چه خبر است. پدرم گفت بیا کنار بایست، قرار است خانم فاطمه زهرا (س) تشریف بیاورند برای روضه و ما منتظر هستیم. این دختر اشک می‌ریخت و می‌گفت به این خواب یقین دارم و امروز خانم فاطمه زهرا (س) تشریف می‌آورند. به اعتقاد من این حوادث به دلیل وجود با برکت شهدا است و تا زمانی که شهدا هستند و جوانان با این امامزاده‌ها ارتباط می‌گیرند هیچگاه دین‌گریز نمی‌شوند. وقتی هم ادعا می‌کنیم شاگردان مکتب امام علی (ع) و اهل بیت هستیم و پرچم اهل بیت (ع) در امامزاده علی اکبر برپا شده و به عنوان شعار انقلاب همیشه گفته‌ایم که ما زمینه‌ساز ظهور هستیم دشمنان ما آن قدر که ما به این شعارها باور داشته باشیم یا نداشته باشیم آنها یقین دارند. دشمنان اهل بیت در دشمنی کردن جدی هستند. آن قدر که دشمنان به دنبال روایات ظهور امام مهدی (عج) هستند شیعیان امیرالمؤمنین (ع) نیستند.

دوم اینکه باید بدانیم دشمن هم برنامه‌ریزی می‌کند. میلیون‌ها دلار هزینه می‌کند تا جوانان را از دین و امام حسین (ع) جدا کند. از شیطان‌های ظاهری و باطنی استفاده می‌کنند. البته یک جریان قوی‌تر که صاحب کشتی نجات و کشور و قدرت غالب بر همه قدرت‌ها است همیشه از ما پشتیبانی می‌کند. اربعین امام حسین (ع) جمع میلیونی به

کریلا می‌روند. همان طور که می‌دانیم ظرفیت کریلا محدود است اما از سراسر جهان به کریلا می‌روند. حتی در بین آنها شاید کسانی باشند که در عمرشان نماز نمی‌خوانند اما هر کس با هر دین و مذهب به کریلا می‌رود. در هیأت رایة العباس تأکید کردیم هر کسی با هر سلیقه‌ای که آمد اینجا میهمان صاحبخانه خانم فاطمه زهرا (س) است. ما به همه خادمین گفتیم حق ندارید جلوی افراد بدحجاب را بگیرید. آنها خودشان رعایت می‌کنند و اگر هم می‌خواهید تذکر بدهید آرام در گوش آنها بگویید.

خاطره جالبی در این مورد بگویم. یک روز گفتند آقای با شما کار دارد. پسر جوانی بود و گفت می‌خواهد داخل هیأت بیاید. مشروب خورده بود. به او گفتم به سرویس بهداشتی برو و دست و صورتش را بشوید، وضو بگیرد و دهانش را آب بکشد و بیاید اینجا روی سکو بنشیند. بعد از مدتی مستی از سرش پریده بود و طوری گریه می‌کرد که من آن روز به گریه آن جوان گریه می‌کردم. امام حسین (ع) دست آن جوان را گرفت و بچه هیأتی شده است. زندگی‌اش عوض شد، ازدواج کرد و بچه‌دار شد. این کار ما نیست. کار امام حسین (ع) است. به خادمین جلسه گفتیم این جلسه برای حضرت عباس (ع) است و خودشان میهمان‌ها را دعوت می‌کنند. اعتقاد من این است فرشته‌ها هم در این مجالس حضور دارند.

گاهی اوقات هم مطرح می‌کنند دین از سیاست جدا است و هیأت‌ها باید دنبال عزاداری بروند ولی ما می‌گوییم هیأت و دستگاه امام حسین (ع) مثل رزم است، عین سیاست و دیانت است. دعوی ما سر این است که حق با کیست؟ حق با علی است یا دشمن علی؟ در این عالم چه کسی از حق حرف می‌زند جز ولی امر مسلمین. ما پشت او هستیم و سینه می‌زنیم. بحث معیشت و سیاست ظاهر یک چیز است که ما سعی نکردیم در هیأت بگویم این سیاست است. می‌گوییم این حق است و این باطل و شما خودتان باید تشخیص بدهید. نمی‌گوییم به جناح چپ بروید یا راست می‌گوییم پشت ولی امر باشید. با علی باشید نه با علی. نمی‌گوییم وارد جریان‌های سیاسی شوید و همیشه تأکید می‌کنیم باید مدافع حق باشید. معتقدم در هیأت نباید از شخصیت‌ها اسم ببریم. باید به مردم بگوییم حق این است و باطل این و شما خودتان راه درست را انتخاب کنید. کار هیأت این است که جوان را در ریل خودش قرار دهد تا خودش راه درست را پیدا کند. در هیأت‌ها نباید امام حسین (ع) را خرج بحث‌های سیاسی کنیم بلکه هزاران سیاست را باید خرج امام حسین (ع) کنیم. دشمن هم بلد است دشمنی کند و گاهی اوقات نهمت‌هایی به ذاکر با اخلاص هیأت حاج محمود کریمی می‌زنند. دوست و دشمن از این حرف‌ها می‌زنند و این هم از مظلومیت حاج محمود است. اما به واسطه صاحبشان که هوای نوکرشان را دارند همیشه موفق هستند. خواسته شهدا این است و بارها به مادرانشان گفته‌اند که دوست داریم برگردیم و در هیأت عزاداری امام حسین (ع) عزاداری کنیم و سینه بزیم. این یک حقیقت است که هر چقدر جایگاه بالا می‌رود دشمنی هم بیشتر می‌شود.



گاهی اوقات هم مطرح می‌کنند دین از سیاست جدا است و هیأت‌ها باید دنبال عزاداری بروند ولی ما می‌گوییم هیأت و دستگاه امام حسین (ع) مثل رزم است، عین سیاست و دیانت است. دعوی ما سر این است که حق با کیست؟ حق با علی است یا دشمن علی؟ در این عالم چه کسی از حق حرف می‌زند جز ولی امر مسلمین



روایت فرهاد حدادیان از شور دهه هشتادی ها در هیأت رایة العباس

جوانان در هیأت ها درس زندگی می آموزند

به اعتقاد من از طرف خداوند به ایشان نظر شده که اینجا می آید و نفس می زند. ایشان بسیار تأثیرگذار است. شاید خیلی ها اطلاع نداشته باشند که وقتی حاج محمود اینجا می آیند و یک مراسم سه ساعته را برگزار می کنند از ساعت ها قبل مطالعه دارند. روی اشعار و سبک کار تمرین می کنند تا جلسه را به بهترین شکل برگزار کنند. اگر این کارها خالصانه و صادقانه نبود به جایگاه امروز نمی رسید. شاید خیلی ها از پشت پرده ها و زحماتی که همه برای یک جلسه هیأت انجام می دهند مطلع نباشند. حاج محمود از مدت ها قبل برنامه ریزی برای محرم را شروع می کند و حتی کوچک ترین مسائل را مورد بررسی قرار می دهد تا به نحو شایسته انجام شود. در کنار آن مسئولان هیأت و برگزارکنندگان مراسم مدت ها قبل شروع به برنامه ریزی و تلاش می کنند تا به بهترین شکل برنامه اجرا شود. همه دغدغه حاج محمود این است جوان هایی که اینجا می آیند با دست پر و بهره مند بیرون بروند. می گویند ما اجازه نداریم وقت جوانان را به بطالت بگذرانیم و اجازه نداریم جلسه بدون محتوا برگزار کنیم. باید جلسه ای برگزار کنیم که جوان بیاید و تغییری در او ایجاد شود.

❖ **با توجه به اینکه از نزدیک شاهد عشق و فضای معنوی حضور جوانان هستیید نظم و برگزاری هیأت به چه شکل است؟**

از مدت ها قبل برای برگزاری هرچه بهتر مراسم برنامه ریزی می شود و شما می بینید جمعیتی که اینجا می آیند با نظم در جای خود می نشینند و مراسم به بهترین شکل برگزار می شود. برای برگزاری چنین مراسمی تعداد زیادی از خود این جوانان مسئولیت نظم را برعهده می گیرند و همیشه هم پای کار هستند. جلسات هیأت رایة العباس کاملاً مردم نهاد است و به هیچ ارگانی وابسته نیست. یک جلسه مردمی که به لطف خداوند و این جوان ها به بهترین شکل برگزار می شود. میانگین سن جوانانی که به هیأت می آیند ۱۶ تا ۲۳ سال است که انقلاب و جنگ را تجربه نکرده اند ولی به ائمه اطهار عشق می ورزند.

دین گریز شده اند و یا از دین فاصله گرفته اند. افرادی که چنین ادعایی می کنند با جوانان ارتباط نداشته و از دل آنها خبر ندارند. در جامعه امروزی با وجود اینکه فاصله طبقاتی وجود دارد و شاید در جاهایی هم بدسلیقگی یا کج سلیقگی باشد اما خدا را شکر جوانان به دین و کشورشان عشق می ورزند و به شهدا ارادت دارند. من با جوانان زیادی در ارتباط هستم که بیشتر آنها دهه هشتادی هستند. به تکتک آنها می گویم تأثیرگذاری شما به جرأت از یک جوان دهه ۴۰، ۵۰ یا ۶۰ خیلی بیشتر است. جوانان ما با توجه به مشکلاتی که در ازدواج یا کار دارند و شاهد بدسلیقگی ها و کج سلیقگی ها هستند اما هنوز هم پای دین ایستاده اند.

❖ **چه ویژگی های خاصی در هیأت رایة العباس است که جوانان از نقاط مختلف شهر تلاش می کنند در ایام محرم و ماه های دیگر خودشان را به اینجا برسانند؟**

در این هیأت قال الباقر(ع) و قال الصادق(ع) خالصانه گفته می شود. دشمن و افراد تنگ نظر شاید حرف های ناروا درباره این هیأت بزنند که دور از واقعیت است. حتی درباره جلسات هیأت یا مداح با اخلاص آن چیزهایی می گویند یا در فضای مجازی انتشار می دهند ولی به نظر من مشکل آنها با مداح و هیأت نیست. مشکل آنان با دستگاه و صاحب دستگاه هیأت یعنی ائمه اطهار(ع) است. خیلی ها می گویند مگر این هیأت چه چیزی دارد؟ من همیشه پاسخ می دهم این هیأت هیچ چیز ندارد جز یکسری جوان پاک که جمع می شوند و نفس می زنند. همین نفس های اینها ما را به خیلی جاها می رساند. سال ها است افتخار خادمی این هیأت را دارم و به اعتقاد من جاذبه هیأت همین جوان هایی هستند که بهترین سرمایه های نظام و کشور محسوب می شوند. امام(ره) می گفتند جوانان به ملکوت اعلی نزدیک تر از ما هستند. این جوانان با عشق به این هیأت می آیند و راه زندگی شان را پیدا می کنند.

❖ **شخصیت حاج محمود کریمی چقدر در جذب نسل جوان تأثیرگذار است؟**

سال ها است حاج محمود را از نزدیک می شناسم و

«تأثیرگذاری جوانان دهه ۸۰ به مراتب بیشتر از دهه های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ است. این جوانان، انقلاب و جنگ را تجربه نکرده اند ولی عاشق اهل بیت(ع) و کشورشان هستند. عشق به امام حسین(ع) و میهن پرستی در وجودشان نهادینه شده است. آنها در همین هیأت ها درس می آموزند و به گفته امام(ره) جوانان به ملکوت اعلی نزدیک تر هستند.» این بخشی از صحبت های فرهاد حدادیان پدر شهید محمدحسین حدادیان است که در راه امنیت کشور توسط فرقه دراویش به شهادت رسید. فرهاد حدادیان از اعضای تولیت آستان امامزاده علی اکبر(ع) تهران است و می گوید سال ها است با جوانانی که عاشقانه برای اقامه عزا و یا مولودی خوانی به هیأت رایة العباس می آیند، نشست و برخاست می کند. به اعتقاد او کسانی که ادعا می کنند جوانان دین گریز شده اند در واقع هیچ شناختی از نسل جوان ندارند. با این پدر شهید که فرزندش در ۲۲ سالگی در راه برقراری امنیت به شهادت رسید، درباره ویژگی های هیأت رایة العباس در جذب جوانان و عشق نسل متولد دهه ۸۰ به ائمه اطهار گفت و گو کردیم.

❖ **هیأت رایة العباس چه جاذبه هایی دارد که هر سال جوانان زیادی به این هیأت جذب می شوند و به نظر شما که از نزدیک با جوانان سروکار دارید چه رموزی در این جذب نهفته است؟**

به نظر من اولین عامل جذب جوانان در این هیأت، قرار داشتن آن در کنار امامزاده واجب التعمیم و تعداد زیادی از شهدای دفاع مقدس است. این شهدا راهنمای ما و چراغ راه جوانانی هستند که دشمن ادعا می کند آنها



”

خیلی ها می گویند مگر هیأت رایة العباس چه چیزی دارد؟ من همیشه پاسخ می دهم این هیأت هیچ چیز ندارد جز یکسری جوان پاک که جمع می شوند و نفس می زنند. همین نفس های اینها ما را به خیلی جاها می رساند



ایران
شنبه
۸ مرداد
۱۴۰۱

از پتانسیل هیأت‌ها

می‌توان در رفع محرومیت استفاده کرد

روایت سعید فرجی مسئول گروه جهادی هیأت رایة العباس از چگونگی تأسیس گروه و حضور حاج محمود کریمی در مناطق محروم

محرم رسید تا عاشقان امام حسین (ع) که دل در گرو محبت اهل بیت (ع) دارند باز هم در هیأت‌ها و حسینیه‌ها ندای «هل من ناصر ینصرنی» او را لیک بگویند. پوشیدن رخت عزا و سینه‌زنی و اشک ریختن در رثای سرور و سالار شهیدان بخشی از زندگی همه ما شده است، اما کسی نیست که نداند قیام عاشورا برای برپایی عدل و داد بود. یکی از نمادهای بارز عدالت رسیدگی به محرومانی است که با سختی و مشکلات زندگی می‌کنند. بسیاری از آنان پای نظام ایستاده‌اند و حاضر نیستند آن را با هیچ چیز عوض کنند. با وجود اینکه بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد اما هنوز هم مناطق محرومی وجود دارد که مردم آن بدون امکانات اولیه زندگی می‌کنند. تشکیل گروه‌های

داشته باشند. نوروز آن سال در تهران ماندم و همراه با دوستان جهادی در بیمارستان‌ها حاضر می‌شدیم و به کادر درمان و بیماران مبتلا به کرونا کمک می‌کردیم. آب‌میوه برای بیماران و کادر درمان می‌گرفتیم و سعی می‌کردیم باری از دوش کادر درمان برداریم. از دبیرستان وارد گروه‌های جهادی شدم. ما جزو معدود دبیرستان‌هایی بودیم که گروه جهادی تشکیل دادیم. دبیرستان خواجه‌نصیر در منطقه ۵ تهران یکی از چند دبیرستان تهران بود که بنیانگذار کارهای جهادی بود. ۱۰ سال اول فعالیت من در گروه‌های جهادی در منطقه محروم بشارگرد کرمان بود. نوروز هر سال به بشارگرد می‌رفتیم. مدتی بعد گروه جهادی رضوان را با دوستانم تشکیل دادیم و همراه با بچه‌های جهادی به

فرجی با بیان خاطره‌ای از حضور حاج محمود کریمی در مناطق محروم نهبندان گفت: «حاج محمود وقتی از نزدیک وضعیت را دید خیلی ناراحت شد. روستایی رفتیم که خیلی عجیب بود، حتی کمیته امداد هم به این روستا نرفته بود. نهبندان در خراسان جنوبی قرار دارد و ۶ کیلومتری مرز ایران و افغانستان است. حاج محمود می‌گفتند این همه سال از انقلاب گذشته، چرا کمیته امداد اینجا نیامده است؟ یک بار سعید قاسمی در برنامه ثریا گفتند با گروه‌های جهادی به مناطقی رفتیم که هنوز برای زمان پارینه‌سنگی است؛ به عنوان کسی که سال‌هاست در گروه‌های جهادی فعالیت دارم این موضوع را تصدیق می‌کنم. دقت کنید که ما به شهرستان اندیکا جایی که محرومیت آن زبانزد است نرفته بودیم، ما در نهبندان محرومیت را با چشم دیدیم. حتی حاج محمود نزد نماینده ولی فقیه در استان خراسان جنوبی گلایه کرد و خواست توجه بیشتری به مناطق محروم و روستاها شود. به خاطر دارم حاج محمود بعد از دیدن محرومیت مردم نهبندان روی تپه‌ای رفت و ساعتی در تنهایی نشست. ناراحتی از چهره‌اش کاملاً مشخص بود.»

سعید فرجی از انتخاب منطقه محروم فرارشبند در استان فارس برای انجام کارهای جهادی این گونه می‌گوید: «اواخر سال ۹۷ بود که حاج محمود گفتند یک گروه جهادی تشکیل بدهیم و از پتانسیل هیأت استفاده کنیم. سال ۹۶ همراه با داوود کریمی پسر حاج محمود گروه جهادی فطرس را ثبت کرده بودیم تا در زمان مناسب بتوانیم از آن استفاده کنیم. اواخر سال ۹۷ وقتی حاج محمود پیشنهاد دادند کار جهادی را شروع کنیم چهار روز بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی تصمیم گرفتیم یک منطقه محروم را شناسایی و از نزدیک ببینیم؛ چند استان را بررسی کردیم و سرانجام استان فارس انتخاب شد. دلیل انتخاب فارس هم این بود که حس کردیم این استان با وجود این که خیلی برخوردار است ولی برخی از مناطق آن نیاز به کمک گروه‌های جهادی دارد. گروه‌های غیر بومی کمتر به این استان می‌آیند. اکثر گروه‌های جهادی معمولاً به مناطق مرزی مثل خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان یا کرمان و منطقه‌ای



نهبندان می‌رفتیم، هنوز هم برای کارهای جهادی به این منطقه محروم می‌رویم و کارهای عمرانی و خدمات پزشکی و فرهنگی ارائه می‌دهیم. سال گذشته کاشت نهالستان و ساخت استخر آب به منظور آبیاری زمین‌های کشاورزی و احیای ۶ هکتار زمین در دستور کارمان بود.»

فرجی درباره ایده تشکیل گروه جهادی فطرس به حضور حاج محمود کریمی در منطقه محروم نهبندان اشاره می‌کند و می‌گوید: «سال ۹۶ پیشنهاد تشکیل گروه جهادی را به حاج محمود کریمی دادم. دعوت کردم همراه گروه جهادی رضوان به منطقه محروم نهبندان بیایند و از نزدیک فعالیت بچه‌های جهادی را ببینند. حاج آقا قبول کردند و نوروز ۱۳۹۶ همراه گروه جهادی رضوان به نهبندان آمدند. با حاج محمود به مناطق مرزی هم رفتیم. خیلی از اهالی مرزنشین باور نمی‌کردند حاج محمود کریمی به آنجا آمده است. می‌گفتند چهره ایشان خیلی آشناست و او را در تلویزیون دیده‌ایم. می‌گفتم حاج محمود کریمی است و انگار که تازه باورش می‌شد؛ برای شان خیلی عجیب بود که یک مداح اهل بیت از تهران به آنجا بیاید و پای درد دل آنها بنشیند.»

جهادی و حضور پرشور جوانان در این مناطق ایده خوبی بود که باعث شد تا تصویر این محرومیت به چشم و گوش مسئولان برسد. در کنار آن فعالیت این گروه‌های جهادی مرهمی شد بر زخم دل این محرومان. هیأت‌های مذهبی با حضور پرشور جوانان پتانسیل مهمی است که می‌توان از آن در کارهای جهادی استفاده کرد. هیأت رایة العباس یکی از هیأت‌هایی است که از سال ۹۷ با راه‌اندازی گروه جهادی فطرس محرومیت‌زدایی را در منطقه فرارشبند استان فارس آغاز کرد. ساخت ۲۳ باب خانه و ۴ مدرسه در بخش‌های محروم دهرم و دژگاه از توابع شهرستان فرارشبند و ساخت ۱۱ باب خانه در منطقه محروم بیشه در خراسان جنوبی بخشی از فعالیت‌های گروه جهادی فطرس است.

سعید فرجی مسئول گروه فطرس هیأت رایة العباس یکی از صدها جوانی است که زندگی اش را وقف گروه‌های جهادی کرده است. از سال ۸۱ در گروه‌های جهادی فعالیت می‌کند و معتقد است خدمت به محرومان کشور بالاترین عبادت است. او می‌گوید: «از سال ۸۱ بدون وقفه ایام نوروز به مناطق محروم می‌روم و فقط نوروز سال ۹۹ به دلیل شیوع کرونا اجازه ندادند گروه‌های جهادی در مناطق محروم حضور

”

هیأت‌های مذهبی
با حضور پرشور
جوانان یکی از
پتانسیل‌های
مهمی است که
می‌توان از آن در
کارهای جهادی
استفاده کرد. هیأت
رایة العباس یکی از
هیأت‌هایی است
که از سال ۹۷ با
راه‌اندازی گروه
جهادی فطرس
محرومیت‌زدایی
را در منطقه
فرارشبند استان
فارس آغاز کرد





پای کار آمده‌اند و حاج محمود در همه جلسات آنها حاضر می‌شود. یکی از همین خیران هزینه ساخت مدرسه شش کلاسه را که بیش از یک میلیارد تومان برآورد شده، تقبل کرده‌است. حاج محمود مرتب پیگیر وضعیت رسیدگی به مناطق محروم هستند و بارها گفته‌اند اگر نیاز است باز هم خیر معرفی کنند.

تا امروز برای ساخت ۲۳ باب خانه و ۴ مدرسه در مناطق محروم دهرم و دژگاه حدود ۶ میلیارد تومان هزینه شده‌است. همچنین ۱۱ باب خانه در منطقه بیشه که یکی از مناطق محروم در خراسان جنوبی است ساختیم و تحویل دادیم.

فرجی با بیان خاطراتی از ساخت خانه برای مردم محروم بخش دژگاه گفت: «وقتی در منطقه محروم دژگاه شروع به کار کردیم حاج محمود بیشتر از همه پیگیر دو باب خانه بودند و می‌گفتند زودتر این خانه‌ها را آماده کنید و تحویل دهید. یکی از این خانه‌ها برای عروس و دامادی بود که کنار خانه پدر داماد زندگی می‌کردند. آنها سه رج بلوک سیمانی روی هم چیده بودند و با گونی سایه‌بانی درست کرده و آنجا زندگی می‌کردند. هرکسی می‌دید باور نمی‌کرد این خانه یک زوج جوان باشد. زوج جوانی که با هزاران امید و آرزو زندگی‌شان را شروع کرده بودند. کمی آن طرف‌تر هم خانه پیرزنی بود که بنیاد مسکن ساخت آن را به یک پیمانکار داده بود. قرار بود پیمانکار این خانه‌ها را بسازد و اهالی برای خانه‌ها وام گرفته بودند اما پیمانکار پول را گرفته ولی کار را رها کرده بود. این پیرزن در جایی که فونداسیون خانه‌اش حفر شده بود زندگی می‌کرد. این صحنه خیلی آزاردهنده بود و این پیرزن به امید اینکه یک روز خانه‌اش ساخته می‌شود شب‌ها در این فونداسیون می‌خوابید. به او می‌گفتیم مادر نباید اینجا بخوابی ولی می‌گفت اینجا خانه من است. حاج محمود همیشه از من پیگیر ساخته شدن این دو خانه بودند و خدا را شکر اولین خانه‌هایی که ساخته شد خانه همین پیرزن و این زوج جوان بود. آنها سر خانه و زندگی خودشان رفتند. هر بار به آنجا می‌رویم این پیرزن ما را برای ناهار به خانه‌اش دعوت می‌کند. اینها پای نظام و انقلاب ایستاده‌اند ولی ما به آنها رسیدگی نمی‌کنیم. باید ببینید و از نزدیک ببینید که سردر خانه این پیرزن عکس حاج قاسم است،

کرد از اقوام نزدیک حاج محمود کریمی بودند. پدر خانواده جانباز شیمیایی بودند و بر اثر ابتلا به کرونا فوت کردند. فرزندان ایشان به یاد پدر تصمیم گرفتند مدرسه‌ای در این منطقه محروم بسازند. در بخش دهرم هم یک مدرسه با سه کلاس ساختیم و در بخش دژگاه ۳ مدرسه دو، سه و شش کلاسه ساختیم. به واسطه این اتفاقات امروز منطقه محروم دژگاه یکی از مناطق هدف بنیاد علوی شده‌است.

فرجی مسئول گروه جهادی فطرس با اشاره به اینکه شخصیت‌هایی که تربیون دارند می‌توانند نگاه مسئولان و افراد خیر را به مناطق محروم متوجه کنند، می‌گوید: «مناطق محروم اگر به چشم بیاید و مطالبه زیاد شود و شخصیت‌هایی مثل حاج محمود در هیأت‌ها اعلام کنند ما نیاز به کمک داریم تا محرومیت زدایی کنیم و این امر به گوش مسئولان و افراد خیر برسد این مناطق از محرومیت خارج می‌شوند. نمی‌دانم کسانی که تربیون دارند چرا در مناطق محروم حضور پیدا نمی‌کنند تا از نزدیک محرومیت‌ها را ببینند و از پتانسیل هیأت‌های مذهبی و جاهای دیگر برای رفع محرومیت استفاده کنند؟ حاج محمود دو بار همراه ما به مناطق محروم آمدند و از همان روز اول نسبت به این موضوع دغدغه داشتند. روی منبر به مردم می‌گفتند ما منطقه محروم داریم و به کمک شما می‌خواهیم آنها را از محرومیت نجات بدهیم. باور کنید ذاکران اهل بیت می‌توانند با استفاده از پتانسیل هیأت‌ها هر کدام مسئول رسیدگی به یکی از مناطق محروم شوند. به اعتبار این ذاکران افراد خیر پیش قدم می‌شوند. حاج محمود کریمی دنبال این موضوع هستند که هیأت‌های عزاداری متولی یکی از مناطق محروم شوند. الان در منطقه فراسیند کسی گروه جهادی فطرس را نمی‌شناسد. سعی کردیم فعالیت‌هایمان در قالب گروه جهادی شهدای فراسیند شناخته شود. این گروه جهادی از بچه‌های بومی همان‌جا هستند و کارها را به خوبی جلو می‌برند. سعی کردیم پروژه‌های عمرانی به نام این گروه جهادی جلو برود و اهمیتی هم برای ما ندارد که لوگوی گروه جهادی فطرس پای پروژه‌ها نخورد. به نظر من گروه‌های بومی باید بیشتر شناخته شوند چون از ریشه و خاک آنجا هستند. امروز خیلی از خیران به اعتبار حاج محمود

امروز وجود دارد شرکت نفت ساخته است و دلیل آن هم این بود چون کارکنان شرکت نفت که از اصفهان و شیراز به عسلویه می‌رفتند باید مسافت طولانی را دور می‌زدند تا از طریق بوشهر به عسلویه بروند. این جاده ساخته شد تا مسیر تردد به عسلویه ۳ ساعت نزدیک‌تر شود. این جاده اواخر دولت آقای احمدی‌نژاد آماده بهره‌برداری شد. یکی از بومی‌ها می‌گفت هیچ مسیر ارتباطی در این دو بخش و دهستان‌های آن وجود نداشت و برای دادن بسته ارزاق به مردم این منطقه باید از کوه بالا می‌رفتیم و تقریباً یک روز طول می‌کشید. این دو بخش محرومیت زیادی داشتند، مدارس‌شان هم برای ۵۰ سال قبل بود و دولت این اواخر برای آنها کانکس گذاشته بود. بعضی از این کانکس‌ها هم خراب بود و بچه‌ها آسیب می‌دیدند. این منطقه در ۵۰ کیلومتری بندر سیراف قرار دارد و به همین دلیل چند ماه هوا بسیار شرجی می‌شود و نمی‌توان در کانکس‌ها کلاس درس برگزار کرد. بعد از بررسی کامل به تهران آمدم و موضوع را با حاج محمود کریمی در میان گذاشتیم و گفتیم منطقه بسیار محرومی پیدا کرده‌ایم. به خاطر دارم وقتی موضوع را به آقای مدنی رئیس ستاد بنیاد برکت گفتیم باور نمی‌کردند چنین منطقه محرومی وجود داشته باشد. بلافاصله دستور دادند و روز بعد دو نفر از معاونان بنیاد برکت به سرعت به منطقه رفتند و تأیید کردند این منطقه محروم است. بنیاد برکت به ما اعلام کرد می‌توانند در ساخت ۱۰ باب خانه و همچنین یک باب مدرسه و یک مسجد مشارکت کنند. این شد مبنای شروع کار ما. برای ساخت ۱۰ باب خانه هر کدام ۲۰ میلیون تومان وام کمک کردند ولی هر خانه ۲۵۰ میلیون تومان هزینه داشت. ۲۰ میلیون تومان هم کمیته امداد تقبل کرد و بقیه را از خیرین جمع کردیم. با عنایت خدا این ۱۰ باب خانه الان به ۲۳ باب خانه رسیده که ۱۰ خانه را تحویل دادیم و مردم در آن زندگی می‌کنند. ۳ باب مدرسه هم ساختیم و کلنگ چهارمین مدرسه هم در سفری که چند ماه قبل حاج محمود کریمی به این منطقه داشت بر زمین زده شد. فیلمی هم در فضای مجازی منتشر شد که حاج محمود مقابل مدرسه و در کنار بچه‌های منطقه محروم دژگاه نشستند. یکی از خیران که هزینه ساخت مدرسه در این منطقه را تقبل

” مناطق محروم اگر به چشم بیاید و مطالبه زیاد شود و شخصیت‌هایی مثل حاج محمود در هیأت‌ها اعلام کنند ما نیاز به کمک داریم تا محرومیت زدایی کنیم و این امر به گوش مسئولان و افراد خیر برسد این مناطق از محرومیت خارج می‌شوند



بنویسیم. نمی دانیم چرا این اتفاق افتاد. هر چهار مدرسه به نام حضرت رقیه (س) نام گذاری شده است و این اسمی بود که خود خیران انتخاب کردند.

فرجی با تأکید بر اینکه تنها چیزی که باعث می شود مردم به گروه های جهادی اعتماد کنند یک کار زود بازده است، گفت: «امسال می خواهیم نحوه کشت کشاورزان منطقه را تغییر بدهیم و یک سردخانه برای آن ها احداث کنیم. خودشان را هم در این سردخانه سهیم می کنیم. هزار خانوار در آنجا زندگی می کنند و مردم تا زمانی که در کار مشارکت نداشته باشند کار جلو نمی رود. تنها کارهای زودبازده هم کارهای عمرانی و پزشکی است که باعث اطمینان مردم می شود. آنجا با ۱۰۰ باب خانه دیگر همه محرومان منطقه صاحب خانه می شوند. بخشی از کار را کمیته امداد و بنیاد مسکن تقبل کرده اند و امیدواریم به خوبی بتوانیم آن را به پایان برسانیم. متأسفانه در اغلب این کارها، همه چیز دستوری است ولی در کار جهادی دستور معنا ندارد و باید کار دلی باشد. ۵۲ هزار گروه جهادی ثبت شده داریم که می توانیم از پتانسیل آن ها برای رفع محرومیت استفاده کنیم. مگر چند هزار روستای محروم داریم؟ اگر هر کدام از این گروه های جهادی پای کار باشد دیگر محرومیتی باقی نمی ماند. در مناطق محروم اگر کار را به خود مردم بسپاریم نتیجه می گیریم ولی متأسفانه همه چیز را دولتی کرده ایم. جمهوری اسلامی ایران به واسطه حضور مردم به وجود آمده و این نقطه قوت است و باید کارها را به مردم بسپاریم اما قدرت مردمی بودن را به چند نهاد محدود کرده ایم و همه چیز دولتی شده است. در همین روستاهای محروم بچه هایی را می بینی که پابرهنه می روند و پوست کف پاهای آن ها زخم شده است. در یکی از برنامه های گروه جهادی چندروز پابرهنه بودم. می خواستم ببینم من هم می توانم مثل همین بچه ها پابرهنه روزها را سر کنم. روز اول سخت بود ولی عادت کردم. متأسفانه درد محرومیت برای مردم عادت می شود و این درد را نمی توانند به مسئولان بگویند. مسئولان هم تصور می کنند مردم مشکل ندارند و نیازی هم به کمک پیدا نمی کنند. حقیقت تلخ این است که آن ها به فقر و محرومیت عادت کرده اند.»



خانه هایی که حاج محمود پیگیر آن بود خانه بچه یتیمی بود که پدر و مادرش در آتش سوزی فوت کرده بودند. اهورا هفت سال دارد و با مادر بزرگش زندگی می کند. وقتی به خانه اهورا رفتیم بلافاصله حاج محمود را شناخت و مادر بزرگش از ما پذیرایی کرد. اهورا دوست داشت با حاج محمود عکس بگیرد و جالب اینکه حاج محمود گفت هر مدل عکس دوست داری با تو می اندازم. لحظه ای فراموش نشدنی برای همه ما بود. حاج محمود که دوست ندارد با هیچ مسئولی عکس بگیرد با این بچه ساعت ها عکس می گرفت.»

وی ادامه داد: «یکی از نکات جالب دیگر هم اسامی چهار مدرسه ای است که در این مناطق ساختم. خیرانی که هزینه ساخت مدارس را تقبل کردند یک اسم به ما می گفتند و نکته جالب اینکه هیچکدام یکدیگر را نمی شناختند. همه آن ها از ما خواستند نام حضرت رقیه (س) را سردر مدرسه

همان تصویری که در روزنامه ایران منتشر شده بود. در این مناطق محروم با کمترین هزینه بهترین جواب را می توانید بگیرید. داشتن سرپناه حداقل چیزی است که مردم مناطق محروم نیاز دارند.

وی یکی از مشکلات مردم مناطق محروم دژگاه را نداشتن سردخانه عنوان می کند و می گوید: مردم صیفی جات می کارند و همه محصولاتشان هم صادر می شود. گوجه و خیار و بادمجان در آنجا خوب عمل می آید ولی دلال ها با قیمت پایین می خرند و با بسته بندی این محصولات در شیراز آنها را به کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر می کنند. دلال ها سود زیادی به جیب می زنند ولی چیز زیادی عاید کشاورزان منطقه نمی شود.

فرجی به حضور حاج محمود در میان کودکان محروم و گرفتن عکس های یادگاری با آنها اشاره کرد و با بیان خاطراتی از آن روزها گفت: «وقتی حاج محمود برای بررسی روند کار به آنجا آمده اند بچه های کلاس با دیدن ایشان بیرون آمدند. روزی که حاج محمود آمده بودند همه مسئولان شهرستان و استان هم آمدند. حاج آقا به یکی از دوستان قدیمی شان گفتند این همه مسئول برای چی اینجا آمده؟ وقتی این همه آدم به خانه افراد محروم می رویم حس بدی برای آن ها ایجاد می شود. من همراه بچه های گروه جهادی می روم و آن ها توضیح می دهند و نیازی به این همه مسئول نیست. به خاطر دارم حاج آقا حتی به مسئولانی که آمده بودند گفتند اگر وسط روز کاری آمده اید چه کسی کار مراجعه کنندگان دفتر شما را انجام می دهد؟ نیازی به حضور شما نیست. ما منطقه را بلد هستیم و این بچه ها از پروژه ها اطلاع دارند و برای من توضیح می دهند خواهش می کنم به محل کارتان برگردید. خدمت شما به مردم این است که کار آن ها را راه بیندازید. حاج آقا به شدت از دوربین فراری است و علاقهای به عکس و تصویر و فیلم هم ندارند اما در مناطق محروم با عشق و علاقه با مردم عکس می گرفتند. هر کی هم می خواست عکس بگیرد قبول می کرد. محرم امسال افراد مختلفی در هیأت می خواستند با او عکس بگیرند اما قبول نمی کرد ولی در نهبندان و مناطق محروم با دل و جان با مردم عکس می گرفت. یکی از

ناگفته‌های زندگی حاج محمود کریمی از زبان مادر

پسرم نوکر خوبی برای اربابش است

همین صندلی می‌گذاشت، فردایش کیفش را برمی‌داشت و می‌رفت. یک روز مدرسه رفتم و از معلم پرسیدم چرا همه نمرات محمود ۲۰ است؟ گفت چون سرکلاس حواسش خیلی جمع است، چشمش به تخته است و گوشش به دهان من. واقعاً باهوش بود. در دانشگاه هم بدون اینکه از سهمیه بنیاد شهید استفاده کند، رتبه خیلی خوبی آورد. الان هم شب تا صبح مطالعه می‌کند و می‌گوید مداح امام حسین باید باسواد باشد. مداح بی‌سواد به درد نمی‌خورد. زحمتی که کشید، الان نتیجه‌اش را می‌بیند.

چطور جای خالی پدر را برای بچه‌ها پر کردید؟

هر مادری وظیفه دارد فرزندش را سر و سامان بدهد. تا جایی که توانستم، سعی کردم نبود پدر را حس نکنند. الحمدلله ازدواج خیلی خوبی هم داشت و همسرش خانم خوبی است و خیلی با حاج محمود همراه است و زحمت زیادی می‌کشد. پسرش آقا داوود خیلی کمک حال پدر است، واقعاً دست راست حاجی، داوود است. حاج محمود با این همه مشغله‌های زیادی که دارد، خیلی به من سر می‌زند. خیلی مهربان است. ظاهرش را هر کس از دور ببیند، شاید فکر کند خیلی بد اخلاق است، اما از نزدیک خیلی خوش رفتار است. با خانواده خود چند برابر مهربان‌تر و خوش رفتارتر است. خیلی دل‌مهربانی دارد.

اگر بخواهید از عادات و سلوک شخصی حاج محمود بگویید، کدام یک از آنها بارزتر است؟

حاج محمود هر روز روزه‌اش ترک نمی‌شود. هیچ وقت روزه‌خوانی‌اش بعد از نماز صبح ترک نشده است. حتی خیلی وقت‌ها که نماز مغرب و عشا را در منزل ما می‌خواند، وقتی بعد از نماز سرش پایین است و در خودش است، من می‌فهمم که دارد برای خودش روزه می‌خواند. حاج محمود یک نماز صبح قضا و یک روزه قضا ندارد. حاج محمود واقعاً نوکر خوبی برای اربابش است. همیشه دعایش می‌کنم که الهی زنده باشد و برای اربابش نوکری کند. یکی از خصلت‌های خوب حاج محمود این است که برای خرج کردن در راه امام حسین (ع) هیچ ابایی ندارد. دستش را که در جیبش می‌کند، هر چه دارد می‌دهد. کاش این دیوارها می‌توانستند شهادت بدهند. حاج محمود یک شعری می‌خواند که «یادش بخیر یادش بخیر با بچه‌های کوچکمون / با چادر مادرمون گوشه پیاده‌رو / گوشه پیاده‌رو بیاد محرم کرده بودیم / تکیه علم کرده بودیم»، این شعر دقیقاً سال‌های نوجوانی حاج محمود در همین کوچه است.

حاج محمود در منزل شما هم روزه می‌خواند؟

سال اول کرونا که هیأت چیدز تعطیل بود، حاج محمود در محله‌ها به صورت سیار می‌خواند. بدون روزه برایم خیلی سخت بود. هر شب بعد از روزه‌خواندن در خیابان، اینجا می‌آمد و برایم روزه می‌خواند.

داوود چه خصوصیات اخلاقی داشت و در کدام عملیات شهید شد؟

داوود برادر بزرگ حاج محمود، اگر بود، روی دست همه برادرانش می‌زد. خیلی خاص بود. برای شهادت به دنیا آمده بود. جنسش خیلی فرق داشت. پنج سال بعد از پدرش در عملیات کربلای ۵ در شلمچه شهید شد. برخی سال‌ها که حاج محمود و داوود با هم جبهه بودند، آنها را در دو سنگر جدا می‌گذاشتند که اگر یکی شهید شد، دیگری زنده بماند. پدر حاج محمود همیشه به حاج محمود اشاره می‌کرد و می‌گفت آن چیزی که من می‌خواهم، این پسر می‌شود. یک بار پدر حاج محمود به حاج محمود گفت شما پیش نماز بایست. حاج محمود در قنوت گفته بود اللهم ارزقنا توفیق الشهادة. پدرش او را در آغوش گرفت و پرسید تو این را از کجا شنیدی و گفتی؟ حاج محمود چیزی نگفت. روزی که برادرش خواست به جبهه برود، گفت: دعا را تو کردی، من لقمه‌اش را می‌خورم.

امور دینی خیلی تشویق می‌کرد. هر چند جلسه یک کتاب مذهبی می‌آورد و از کتاب راجع به ائمه اطهار مطلب می‌گفت. وقتی از شاهین شهر به تهران می‌آمدیم، در راه به زیارت می‌رفتیم، بچه‌ها در حرم می‌گفتند بابا بر ایمان از آن احادیث بگو. جایی که خمس و زکات نمی‌دادند، نمی‌رفتیم. حتی منزل یکی از بستگان که مجبور بودیم برویم، به اندازه یک لیوان آبی که می‌خوریم، خمسش را کنار می‌گذاشتیم. نان حلال به بچه‌ها دادن خیلی مهم است. خدا را شکر همه بچه‌های من بچه‌های خوبی هستند. حاج محمد هم مداح است، بقیه فرزندانم هم اگر چه مداح نیستند، نوکران خوبی برای امام حسین هستند. خیلی وقت‌ها خدا را شکر می‌کنم که به من لطف کرد مادر حاج محمود شدم. ایشان هم آبروی خانواده ما است، هم آبروی تشیع. ایشان در درسش هم بی‌نهایت قوی بود. هیچ اذیت و آزاری برای من نداشت. سعی کردم در راه‌های دینی همیشه مشوق بچه‌ها باشم. بچه‌ها بیش از اینکه در منزل باشند، در مسجد بزرگ

هم مادری کرد و هم بعد از شهادت همسر سعی کرد جای خالی پدر را برای بچه‌ها پر کند. وقتی می‌خواهد از فرزندانش بگوید از تربیت خوب آنها که به دست پدر شهیدشان رقم خورد، صحبت می‌کند. می‌گوید داوود برای شهادت خلق شده بود و محمود هم برای افتخار تشیع. زهرا نگهداری، هم همسر شهید است و هم مادر شهید. سال ۱۳۶۱ همسرش نقی کریمی در عملیات فتح‌المبین به شهادت رسید و ۴ سال بعد پسرش داوود در کربلای ۵ به درجه رفیع شهادت رسید. می‌گوید حاج محمود نوکر خوبی برای اربابش است و همیشه دعایش می‌کنیم. با این مادر درباره ناگفته‌های زندگی حاج محمود در دوران کودکی و راهی که طی کرد تا به مداحی و روضه‌خوانی برای اهل بیت (ع) رسید، گفت و گو کردیم؛



حاج محمود چطور حاج محمود شد؟

خدا حاج محمود را سال ۴۷ به ما داد. از همان کودکی و از وقتی که به یاد دارم، همیشه ذکر اهل بیت را بر لب داشت. تلویزیون و رادیو نداشتیم؛ اما پدرش چون خادم مهدیه تهران بود و در جلسات آقای کافی شرکت می‌کرد، یک ضبط صوت کوچک داشت و نوار کاست‌های قرآن و سخنرانی‌های آقای کافی را گوش می‌داد. همسرم ذاکر بود، هم من و هم پدرم. همیشه با ما در جلسات اهل بیت شرکت می‌کرد. از همان کودکی به مداحی علاقه داشت. بعد از شهادت برادر بزرگترش، برای برادرانش بزرگتری می‌کرد.

شماره تربیت حاج محمود چه کردید؟

نقش مادر مهم است، اما نقش پدر مهم‌تر است. سال ۴۲ ازدواج کردیم. یک ازدواج بسیار ساده داشتیم. زندگی‌مان را هم ساده آغاز کردیم و ساده ادامه دادیم. ما در تهران ازدواج کردیم، قبل از انقلاب به شاهین شهر رفتیم. در حاشیه شاهین شهر خانه‌ای بود که حاج آقا اجازه گرفت و آنجا را مسجد کرد. آن محله مسجد نداشت. با هر زحمتی بود قسمتی از دیوارها را کشیدند، اما آهن نداشتند که بنا را ادامه دهند. جوان‌ترها می‌گفتند حاجی ما آهن نداریم، حاجی می‌گفت به خدا توکل کنید، خودش درست می‌شود. یک شب راننده کامیونی وارد مسجد شد و بار آهن داشت. آهن‌ها را خالی کرد، وقتی از او پرسیدند چه کسی این آهن‌ها را فرستاده؟ گفت نمی‌دانم، به من گفت برو به فلان آدرس آهن‌ها را خالی کن. الان هم بعد از سال‌ها، عکس حاج آقا را بزرگ در مسجد زده‌اند.

همسرم خیلی مقید بود. بچه‌ها را به حضور در مسجد و هیأت تشویق می‌کرد. روزهای یکشنبه در خانه‌مان کلاس مذهبی داشتیم، بچه‌ها را جمع می‌کرد، برایشان حدیث می‌گفت و چهارشنبه از بچه‌ها درباره جلسه قبل سؤال می‌کرد. بچه‌ها را در



آب می دادیم. ولی متأسفانه تمام درختان را با ریختن آهک و روغن خشک کردند. همه را دوباره کاشتیم. به لطف زحمات حاج محمود و عنایت خدا کارخانه دوباره راه اندازی شد و امروز ۹۷ نفر در این کارخانه مشغول کار هستند. زمانی که آقای رئیسی مسئولیت قوه قضائیه را به عهده داشتند با مکاتباتی که با دادستانی بوئین زهره داشتیم طرحی دادیم که از زندانی های مالی برای کار در کارخانه استفاده کنیم. هر ماشین حمل آجر نیاز به سه کارگر دارد. در برخی کوره ها از کارگران اتباع استفاده می کنند ولی ما در طرحی که ارائه دادیم ضمانت ۶۰ زندانی مالی را برعهده گرفتیم. این طرح با استقبال مواجه شد. از تیرره ۵ ماده ۳۵ استفاده کردیم تا زندانی هایی که به دلیل بدهی ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان در زندان هستند بیابند و مشغول به کار شوند. در این طرح زندانی های مالی علاوه بر اینکه درآمدی پیدا می کنند می توانند بدهی شان را هم پرداخت کنند. در زندان بوئین زهره دیدیم یکی از زندانی ها تکنیسین برق است و به خاطر ۶۰ میلیون تومان بدهی در زندان است. با طلبکار صحبت کردیم و گفتیم اجازه بدهد او مشغول کار شود. این مرد دختر دم بخت داشت و در زندان نمی توانست برای پرداخت بدهی کاری کند. با رضایت طلبکار این تکنیسین در کارخانه مشغول کار شد و علاوه بر پرداخت بدهی برای خودش ماشین خرید. همه اینها لطف امام حسین علیه السلام است. برخی تصور می کنند حاج محمود سررشته ای از کارهای اقتصادی ندارد و فقط در مداحی و روضه خوانی تبحر دارد. اما من سال هاست که با او کار می کنم و ایشان نگاه اقتصادی بسیار خوبی دارند. بارها تصمیماتی گرفته که بعد از مدتی بازخورد خوب آن را دیده ایم. متأسفانه تصویری که بقیه نسبت به ایشان دارند درست نیست. مثلاً اگر برای گرفتن وام به بانک برویم وقتی متوجه می شوند حاج محمود در این کارخانه فعالیت می کند تصور می کنند می خواهیم از رانت استفاده کنیم در حالی که این گونه نیست. سال ۸۳ این شرکت را راه اندازی کردیم تا بتوانیم در بحث جهیزیه نوعروسان وارد شویم. تصور می کنند حاج آقا چون روضه خوان است در هر مجلسی که می رود ۱۰۰ میلیون تومان می گیرد ولی این گونه نیست. وقتی دنبال برق کارخانه می رفتیم مأموران اداره برق می گفتند شما لنگ ۱۵ میلیون تومان هستید، حاج آقا یک روضه بخواند چند برابر این پول را به او می دهند. ما مجبور شدیم زمینی بخریم تا بتوانیم تیرهای برق را به کارخانه برسانیم. حاج محمود هیچ وقت برای کارخانه از رانت استفاده نمی کند. حتی وقتی برای سهمیه گازوئیل رفتیم گفتند شما چرا لنگ ۴ هزار لیتر گازوئیل هستید بگویید حاج آقا با وزیر نفت تماس بگیرد تا برای شما چندین کامیون گازوئیل بفرستند.

وی ادامه داد: متأسفانه برخی تصور می کنند مداح امام حسین (ع) از رانت استفاده می کند. با این اوضاع و احوال کار را پیش می بریم و جالب اینکه کسی باور نمی کند حاج محمود در کارخانه آجر کار می کند. شبانه روز به فکر کارخانه و کارگران است و هیچ وقت هم از ارتباطاتش استفاده نمی کند. سال ۹۱ یکی از کارگران ما که از اتباع بودند در میدان آزادی مأموران به او مشکوک می شوند و مدارکش را می گیرند. در ساک او یکی از سی دی های مداحی حاج محمود را پیدا می کنند. حاج محمود معمولاً وقتی کارخانه می آمدند سی دی های هیأت را به کارگران می دادند. آن کارگر عکس حاج محمود را نشان می دهد و می گوید من کارگر این آقا هستم مأموران باور نمی کنند. کارگر ما شماره تماس حاج محمود را می گیرد و گوشی را به مأموران می دهد. آنها بعد از شنیدن صدای حاج محمود باز هم باور نمی کردند این مرد کارگر کارخانه آجرسازی است که من و حاج محمود آنجا را اداره می کنیم.



مهدی برزگر شریک اقتصادی حاج محمود کریمی

حاج محمود از آجرنان در می آورد



کارخانه ها افتاده بودند و خیلی از کارخانه ها تعطیل شدند. با ورود قوه قضائیه به موضوع تعطیلی کارخانه ها در تحقیقات قضایی مشخص شد بانک این وام را به ما نداده است. حتی حاج محمود برای ضمانت وام، ماشین زیر پای خودش را فروخت. از ۱۵ آبان سال ۹۲ فاز صنعتی شدن کارخانه آجر را شروع کرده بودیم و شبانه روز همراه با حاج محمود کار می کردیم. حاج محمود فقط ایام محرم در کارخانه حضور نداشت.

همه چیز خوب پیش می رفت تا این که سال ۹۵ کارخانه توسط بانک مصادره شد. به این ترتیب نزدیک به ۱۰۰ کارگر بیکار شدند. بانک امین اموال در کارخانه گذاشت و همه دستگاهها و اموال کارخانه را فروخت. بعد از دو سال وقتی مراجعه کردیم دیدیم همه جا را با خاک یکسان کرده اند. همه وسایل را برده بودند و حتی یک متر کابل در کارخانه نبود. کارخانه ای که با خون دل ساخته بودیم نابود شده بود.

مهدی برزگر در ادامه از راه اندازی دوباره کارخانه و نگاه اقتصادی حاج محمود و از طرح آزادسازی ۶۰ زندانی و اشتغال آنها در کارخانه گفت: به حاج محمود پیشنهاد دادم کارخانه را دوباره راه بیندازیم. گفت با این اوضاع مگر می شود؟ با همه سختی ها و مشکلات دوباره راه انداختیم. ۴ هزار اصله درخت در کارخانه کاشته بودیم و طبق تعهدی که به محیط زیست داده بودیم باید ۵ هزار مترمربع فضای سبز می ساختیم. حاج محمود گفت طبق فرمایشات حضرت آقا باید در این فضای سبز درخت بکاریم. درختان چنار و افرا و درختان میوه کاشتیم. چهار اصله درخت میوه کاشته بودیم و با عشق به آنها

شاید برخی از مردم تصور می کنند مداحان و ذاکران اهل بیت با روضه خوانی در مجالس مختلف پول های کلانی می گیرند. تصویری که حتی از آن به عنوان پاکت پول یاد می شود و می گویند بعد از پایان مراسم پاکت پول به مداح داده می شود. اما هستند مداحان و ذاکرانی که کار اقتصادی می کنند و هیچ گاه از راه مداحی و روضه خوانی امرار معاش نمی کنند. آنها خودشان را وقف امام حسین (ع) کرده اند و در کنار آن با کار و فعالیت اقتصادی در کنار امرار معاش، دستگیر افراد نیازمند هم می شوند.

این بخشی از صحبت های مهدی برزگر است. یکی از صاحبان کارخانه آجرسازی در نزدیکی بوئین زهره در استان قزوین. اما شاید خیلی ها ندانند که یکی از کسانی که کارخانه آجر را راه انداخت و سال هاست در آنجا فعالیت می کند حاج محمود کریمی است. برزگر با تأکید بر این که در این سالها هیچ گاه حاج محمود برای راه اندازی کارخانه و یا وام بانکی از رانت استفاده نکرده است از تأسیس کارخانه آجر با همکاری حاج محمود و توقیف کارخانه در سال ۹۵ توسط بانک می گوید: «سال ۸۲ به واسطه هیأت رایة العباس با حاج محمود کریمی آشنا شدم. از کودکی آرزو داشتم نوکر امام حسین (ع) باشم. کاسب بودم و کار می کردم. در هیأت به حاج محمود پیشنهاد کار دادم. گفتیم می خواهیم کارخانه آجر بزنیم. پرسیدند سررشته ای از این کار داری؟ گفتم یکی دوسال تحقیق می کنم و بعد از آن کار را شروع می کنیم. حاج محمود قبول کرد و بعد از یک سال تحقیق در کنار ایشان کار ساخت کارخانه را در نزدیکی بوئین زهره شروع کردیم. ابتدا یک کوره آجرپزی به راه انداختیم. کوره ما سنتی بود و بعد از مدتی متوجه شدیم این روش منسوخ شده است. طی این مدت حاج محمود از نزدیک بر کار نظارت داشتند و گاهی اوقات خودشان آستین بالا می زدند و مشغول کار می شدند. برخلاف تصور عده ای که فکر می کنند حاج محمود از راه مداحی و روضه خوانی درآمد دارد ایشان نان خود را فقط از همین راه و از همین آجرها در می آورد. برای اینکه شکل کار را از سنتی به صنعتی دریاوریم نیاز به وام بانکی داشتیم.

متأسفانه بانک با وجود ضمانت های معتبری که داده بودیم بخشی از وام را نداد و سال ۹۵ کارخانه را از ما گرفت. سال های خیلی بدی بود. بانک ها به جان

متأسفانه برخی تصور می کنند مداح امام حسین (ع) از رانت استفاده می کند. با این اوضاع و احوال کار را پیش می بریم و جالب اینکه کسی باور نمی کند حاج محمود در کارخانه آجر کار می کند. شبانه روز به فکر کارخانه و کارگران است و هیچ وقت هم از ارتباطاتش استفاده نمی کند

محمد صمیمی شاعر هیأت رایة العباس

اشعاری که بردل و جان حک می شوند

اشعار عاشورایی چگونه سروده می شوند و چرا اشعاری که حاج محمود می خوانند ماندگار هستند؟

اساساً فرایند تولید و آفرینش هنر قدمتی به درازای طول تاریخ دارد. در این ارتباط صحبت های زیادی شده و نظریه هایی وجود دارد. از انسان هایی که در غارها بودند و از هنر استفاده می کردند و امروز روی دیوار غارها اشکال و ردپای هنر را می بینیم. یعنی انسان به قدمت وجود خودش همیشه از هنر برای شتاب دادن مفاهیمی که مدنظر داشته استفاده کرده و هنر را به خدمت گرفته است. به همین اندازه و قدمت هم نظریه ها، متد و شیوه و در کنار آنها آموزش وجود داشته است. هنرهای تجسمی، شعر و ادبیات همه اینها شاخه های بزرگ علم هستند. فرهنگ بومی ما بسیار از این جهت غنی است تا آنجا که اساساً اگر بخواهیم یک جمله در مورد فرهنگ و هر جریان بزرگ انسانی در طول تاریخ صحبت کنیم سهم ایران از هنر و ادبیات بسیار است. کما اینکه در دنیا ما را به مولوی، خیام، حافظ، سعدی و عطار می شناسند. این در کنار فضیلت های دیگری است که فرهنگ ما دارد و این وجه آن قدر قوی است که به عصاره فرهنگ ما تبدیل شده است. این که ما چطور بخواهیم یک کار هنری تولید کنیم یک نکته طلایی دارد. جوان ترها باید بدانند اگر کسی بخواهد وارد آفرینش هنری در حوزه ادبیات عاشورایی و معارف بشود تلقی غلطی است که تصور کند کار باید صرفاً دینی باشد. این هنر باید پشتوانه علمی داشته باشد و هر چقدر پشتوانه علمی قوی تر باشد اثر قوی تر خواهد بود. دلی بودن علاوه بر تمام تخصص هایی است که باید داشته باشیم و آن هم ارتباطی است که با درون انسان و عالم بالا باید داشته باشیم. هنرمند باید این ارتباط را ایجاد کند. متأسفانه تصویری وجود دارد که هنرمندان آیینی بی سواد هستند. این تلقی بسیار غلط است، من تحصیلات دانشگاهی دارم و هنوز هم به تحصیل ادامه می دهم و تا زمانی که هستم می خواهم بیاموزم. شخصیتی مثل حاج محمود کریمی تحصیلات آکادمیک دارند و آن چیزی که ما به عنوان شاگرد در محضر ایشان دیدیم این است که هرگز ایشان را لحظه ای غافل از آموختن و مطالعه ندیدیم و این نکته مهمی است.

از چه زمانی سرودن شعرهای عاشورایی را آغاز کردید؟

از هفده سالگی که به محضر حاج محمود کریمی بدون هیچ زمینه ای از آشنایی و قرابت رسیدم از همان جلسه اول بود که ارتباط شکل گرفت و این ارتباط معنوی تا به امروز ادامه دارد. از اواخر دهه هفتاد یعنی سال ۷۸ شعرسرایی را شروع کردم و اولین شعرهای من که با صدای حاج محمود کریمی پخش شد به سال های ۸۰ برمی گردد. بیست سال از آن روزها می گذرد و شاهد فراز و فرودهایی بودم. نسبت من با ایشان به عنوان اول یک طرفدار است، یعنی کسی که علاقه مند به حاج محمود و آثار ایشان است. بعد از طرفداری به فاصله زیاد به عنوان شاگردی از خیل شاگردان غیرمستقیم ایشان هستم. حاج محمود شاگرد کم دارند. ایشان به جهت شخصیت و نقطه نظرات شخصی خیلی وارد حوزه داشتن شاگرد و آموزش مستقیم نشدند مگر به جز موارد استثنایی. من هم شاگرد غیرمستقیم ایشان هستم. البته این کلمه احتیاج به توضیح دارد، یعنی من هم مثل خیلی ها با دیدن و درک کردن محضر ایشان سعی می کنیم از رفتار، نوع نگرش، اجرا و نوع خواندن طرفدار، شاگرد ایشان هستیم. البته هر چه در کارنامه خودم جست و جو می کنم که شعر را به این دو جایگاه طرفدار و شاگردی اضافه کنم و ادعا کنم شعرهایی که ایشان می خوانند را من می سراریم چیزی پیدا نمی کنم. بخش زیادی از اشعار حاصل طبع خود ایشان است و بخش اندکی را من و خیلی های دیگر سعی کردیم در این سال ها انجام بدهیم. نکته مهم این است تا جایی که من دیده ام وابستگی حاج محمود به شعر تولیدی در حداقل ترین شکل ممکن است. شاید در خیلی از مجموعه ها اگر شعری سروده نشود بخش مهم کار و برنامه و مجموعه بسته فرهنگی که مداح یا هیأت برای آن شب پیش بینی کرده اند مخدوش شود اما در مورد حاج محمود به این ترتیب نیست. یعنی اگر هیچ شعری تولید نشود و ورودی نداشته باشند جلسه ایشان و برنامه های ایشان وابستگی به اشعار ندارند و به راحتی اشعار قدیمی را می خوانند.

شعرهای ماندگار بخشی از خاطرات بچه های دهه ۵۰ و ۶۰ است. زمانی که حاج صادق آهنگران در قاف تلویزیون می خواند: «با نوای کاروان، باربندید همراهم، این قافله عزم کربلا دارد.» با شنیدن این اشعار همه ناخود آگاه همراهی می کردند. انگار این اشعار بخشی از وجود همه شده بود. سال ها از آن روزها می گذرد و هنوز هم بچه های دهه ۵۰ و ۶۰ این اشعار را از حفظ هستند. نقش شعر در نوحه سرایی مثل قلبی است در بدن. حالا بچه های دهه ۸۰ اشعاری را زمزمه می کنند که در هیأت های عزاداری با شور آن را از زبان مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) می شنوند. با نزدیک شدن به ایام محرم این اشعار و مداحی ذاکران اهل بیت (ع) در هر کوی و برزن شنیده می شود. راز ماندگاری این اشعار و نوحه سرایی به تلاش و مطالعه و اخلاصی است که شاعران و مداحان در حوزه ادبیات عاشورایی و معارف خلق می کنند. وقتی پای صحبت جوانانی که برای حضور در هیأت های عزاداری محرم لحظه شماری می کنند می نشینیم خیلی از آنها از سبک مداحی و اشعاری که در شب های محرم خوانده می شود می گویند. خیلی از آنها از خاطرات شب های محرم در هیأت رایة العباس صحبت می کنند. می گویند سبک مداحی حاج محمود کریمی و اشعاری که برای شب های محرم خوانده می شود به دل می نشیند. اشعاری که برخی از آنها توسط شاعران و برخی هم توسط حاج محمود کریمی سروده می شوند. محمد صمیمی یکی از شاعران هیأت رایة العباس است که از سال ۷۸ سرودن شعرهای عاشورایی را شروع کرد. اولین سروده او محرم سال ۸۰ توسط حاج محمود کریمی خوانده شد. این شاعر اهل بیت (ع) می گوید بیست سال از آن روز می گذرد و افتخار می کنم که شاگرد حاج محمود کریمی باشم. با او درباره شعرهای عاشورایی و جوانانی که به سرودن شعر علاقه دارند و همچنین پیوند نسل جوان و هیأت گفت و گو کردیم؛

”

جوان ترها باید بدانند اگر کسی بخواهد وارد آفرینش هنری در حوزه ادبیات عاشورایی و معارف بشود تلقی غلطی است که تصور کند کار باید صرفاً دینی باشد. این هنر باید پشتوانه علمی داشته باشد و هر چقدر پشتوانه علمی قوی تر باشد اثر قوی تر خواهد بود. دلی بودن علاوه بر تمام تخصص هایی است که باید داشته باشیم و آن هم ارتباطی است که با درون انسان و عالم بالا باید داشته باشیم



”

حاج محمود کریمی برای نسل ما یک فرصت است که باید از وجود ایشان استفاده کنیم. مردم از تواضع ایشان بی‌خبر هستند، امثال من هر چیزی که داریم از شخصیت منحصر به فرد حاج محمود است و از خدا ممنونم که این لطف را به من داده که محضر ایشان را درک کنم

حوزه‌ای از هنر خواندن قابل مقایسه نیست. خود فرایند آهنگ‌سازی بیشتر از شعر زمان می‌برد. یعنی ما نت به نت آهنگ‌ها را می‌سازیم و باز خوردگیری می‌کنیم.

❖ **به عنوان کسی که از نزدیک با جوانان ارتباط دارید و شاهد حضور چشمگیر آنها در هیأت رایة العباس هستید چه تحلیلی درباره اینکه گفته می‌شود جوانان دین‌گریز شده‌اند و علاقه‌ای به دین ندارند دارید؟**

شاید خیلی از فعالان رسانه‌ای جرأت پرداختن به این موضوع را نداشته باشند. به عنوان کسی که با شعر سروکار دارم باید ارتباط خودم را با نسل جوان حفظ کنم و ناچار هستم در متن و کف خیابان باشم و مشاهداتی دارم. در تاریخ معاصر ایران جبهه مقابل همیشه سعی کرده این مقوله روضه و هیأت و مداحی را به یک مسأله دم‌دستی تقلیل بدهد. به اعتقاد من در این کشاکش فرهنگی نباید وقت‌مان را تلف کنیم که جواب اینها را بدهیم. به نظر من دوستان نوحه‌سرا و شاعر و مداح و کسانی که تولید محتوا می‌کنند باید روی کارشان متمرکز شوند و باید با کارمان و با اشتیاق توده‌های مردم و رشدی که به مردم می‌دهیم جواب اینها را بدهیم. در این چندساله در هیأت رایة العباس این کار به بهترین شکل انجام گرفته است. مردم خیلی از ماصاحبه و حرف‌نشینده‌اند و سعی کردیم تمرکزمان را روی کارمان بگذاریم و نشان بدهیم که شهید احمدی‌روشن‌ها و خیلی از بچه‌های گمنام انرژی هسته‌ای و نانو تکنولوژی و بچه‌های باسواد در این حوزه‌ها آرزوی‌شان این بود که روضه‌خوان باشند. آنها اهل روضه بودند و هستند. باید با کارمان نشان بدهیم که این معارف چه اثر بزرگی دارد. نباید وارد دعوی زرگری سیاسی شویم و باید سعی کنیم آثاری تولید کنیم که اثر واقعی جریان عظیم فرهنگی هیأت سیدالشهدا را نشان بدهد.

نکته آخر اینکه به نظر من حاج محمود کریمی برای نسل ما یک فرصت است که باید از وجود ایشان استفاده کنیم. مردم از تواضع ایشان بی‌خبر هستند، امثال من هر چیزی که داریم از شخصیت منحصر به فرد حاج محمود است و از خدا ممنونم که این لطف را به من داده که محضر ایشان را درک کنم.

برای ایشان نفس محصول مهم است. چه شب‌ها تا صبح و چه دهه‌ها و چه ماه‌هایی که هر شب کار انجام دادیم و با حداقل امکانات سعی کردیم روی شعر متمرکز شویم. چقدر روی کار بحث می‌کنیم تا به جایی برسد که دوست و دشمن اثر را تحسین کنند. دوستان جوان‌تر بدانند که هیچ موفقیتی اتفاقی نیست. شما باید نسبت به وسواس بی‌نهایتی که پای این آثار است آگاه باشید و بدانید. گاهی سرب یک عبارت یک هفته متوقف می‌شویم و شبانه‌روز روی آن عبارت بحث می‌کنیم. تا جایی که می‌شود سعی کردیم راهبرد ما این باشد و بقیه هم عنایت خود امام حسین (ع) است که هر چه جلوه در عالم هست از ناحیه مقدس اوست.

❖ **سرودن شعر برای دهه محرم از چه زمانی آغاز می‌شود؟**

بعد از ماه مبارک رمضان کار را رسماً کلید می‌زنیم. شاغل هستیم و چند ماهی مرخصی بدون حقوق می‌گیریم. گاهی اوقات روزی ۱۶ ساعت کار می‌کنم. عمر خوانندگی یک خواننده پرکار شاید به ۱۱۰ یا ۱۲۰ قطعه برسد اما ما در ماه محرم ۱۵۰ قطعه تولید می‌کنیم. این حجم از کار با هیچ

عزیزانی که به حاج محمود علاقه‌مند هستند همیشه ایشان را پشت تریبون می‌بینند ولی ما که نزدیک‌تر هستیم ایشان را همیشه در حال مطالعه می‌بینیم. یک هنرمند آیینی باید هر چه بیشتر درباره تکنیک‌ها و علوم مرتبط با شعر و مداحی مطالعه داشته باشد و یک هنرمند آیینی و معارف چیزی که باید بیشتر از بقیه هنرمندان داشته باشند ارتباط درونی با عالم بالاست.

❖ **اگر بخواهید یکی از ماندگارترین اشعاری که برای محرم سروده‌اید را یاد کنید کدام شعر است؟**

برای این سؤال واقعاً جوابی ندارم. یکی از نکاتی که در محضر حاج محمود یاد گرفتم این است که اگر کسی با ایشان در حوزه‌ای مثل حوزه شعر شریک باشد به این نقطه طلایی می‌رسد که به تمام معنا آن مالکیتی که همه‌جای دنیا است از او برداشته می‌شود. چه بسا اشعاری بوده که یک کلمه آن برای من بوده و بقیه را خود ایشان سرودند. هیچ وقت تعصبی روی اینکه اثر برای من بود وجود نداشته است. وقتی که به مسیر پشت سر نگاه می‌کنم نمی‌دانم کدام اشعار را من گفته‌ام و کدام را حاج محمود کریمی.





محرم سال ۹۹ به دلیل شرایط کرونا حاج محمود با تکیه سیار هیات عزاداری را به خیابان برد



شب ششم اجتماع عظیم عشیره عاشورا در پادگان ۶ ارتش



مراسم ظهر عاشورا سال ۹۸ در امامزاده علی اکبر



شب بیست و هفتم ماه رمضان هیات رایة العباس در کنار شهدای امامزاده علی اکبر چیذر



حضور باشکوه مردم در شب سوم محرم هیات رایة العباس - سال ۹۸ - امامزاده علی اکبر



اجتماع عظیم عشیره عاشورا در شب تاسوعای سال ۱۴۰۰

